

آری دشمن اصلی را، امپریالیسم آمریکا را، توطئه‌های ضدانقلابی را، فراموش نکنیم

منحه ۷

دردیدار با نخست‌وزیر و چندتن از وزرا:

امام مسؤلان کشور را به وحدت برای حفظ مصالح ملت دعوت کرد

• اگر به مصالح مردم و کشور کار نداشته باشید و مشغول این باشید که مردم با من اند، مردم با شما آیند، این همانست که آمریکا می‌خواهد.

مصلح، و توجه خودتان را از مصالح، به چیز دیگر متوجه بسوید عوض اینکه برای این پاره‌ها برای این ضعفا برای آتشی که زحمت کشیده‌اند و شما را به اینجا رسانده‌اند و حالا هم توقع از شما خیلی ندارند... از این غفلت کنید و بروید سراغ جنگ بقیه در صفحه ۸

بگویند، بیهودگی تهمت بزنید، به هم افترا بزنید... اگر حالا همان مساله را ما تکرار کنیم یعنی مسائلی که آمریکا برای ما پیش می‌آورد ما را از مسائل اصلی غافل کند و به مساله دیگر متوجه کند... اگر حالا هم شما کارهانی بکنید که توجه مردم را از

برای ملت، دعوا بکنید سر خودمان نه برای مصالح ملت، این همان طغوت است منتها به یک صورت دیگر درآمده اما طغوت است... شما انصاف می‌دهید که یک سلطنتی که خویش را داده و شما را به مقصد رسانده جنگ بکنید، دعوا بکنید، هر روز صحبت بکنید، هر روز انتقاد بکنید، مدیریت را

نکنید، من خوف این را دارم که خدای نخواستہ چنانچه این امور زیاد اثبات شده بشود، یک وقت همان مسائلی پیش بیاید که مردم با طغوت عمل کردند، طغوت برای خاطر اینکه پس کی بود و نوه کی بود که نبود، برای اعمال بود. اگر اعمال ما هم یک اعمال طاعتی باشد برای خود باشد نه

نخست‌وزیر و چندتن از وزرا به حضور امام رسیدند. امام خبیبی طی سخنانی به نخست‌وزیر و وزرا برای حفظ وحدت و حل مشکلات کشور و مردم رهنمودهای گرانتوری داد. امام از جمله گفت: دمسکت اسلامی را به طغوت

نامه
مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۳۹
شنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

توطئه آمریکا - بکمت لیبرال ها - علیه انقلاب، در همان آغاز انقلاب فاش میشود

کوشیدم زمینه را طوری فراهم سازم که برخی از رهبران چپ‌گرای و بحث‌انگیز تر نیروهای مسلح ایران تصنیف و پاکسازی و به نحوی مورد تأیید دولت احتمالی مهدی بازرگان واقع شود. کافی است که بگویم میان سران نیروهای مسلح و رهبران انقلاب در

جلوگیری از فروپاشی دستکاه دولتی، بویژه ماشین نظامی آن، را بیهوده گرفتند و با همکاری نزدیک با سفارت آمریکا در تهران، کوشیدند تا انقلاب را در چارچوب منافع طبقاتی خود و «مناهای آمریکایی‌شان» نگه‌دارند. سالیوان می‌نویسد: «بوسیلهٔ یادگرفته اقدامات

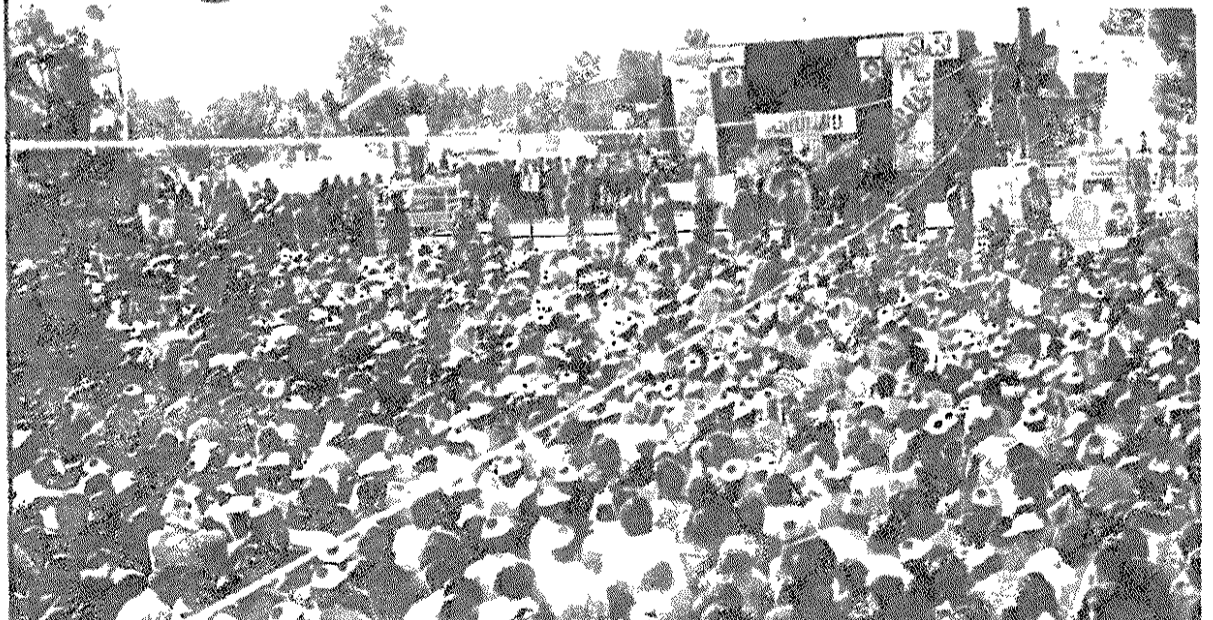
بردازیم، که در آن، سالیوان، به ایجاد دیگری از مداخلات امپریالیسم آمریکا برای حفظ منافع غارتگرانه خود در ایران و مقابله با انقلاب توفنده ضد امپریالیستی و خلقی اعتراف می‌کند. سالیوان در این مقاله صریحا فاش می‌سازد که، پس از سقوط گریزناپذیر شاه، لیبرال‌ها وظیفه

در شماره ۳۲۹ نامه مردم (چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۹) بخشی از مقاله ویلیام سالیوان، آخرین سفیر ایالات متحده آمریکا را در ایران، که در شماره اخیر نشریه سیاست خارجی انتشار یافته، به آگاهی خوانندگان رسانیدیم. در زیر به بخشی دیگر از این نوشته می‌

مذاکرات هیئت نمایندگی ایران را با در ژنیسکی فاش کنید!

بیش از یکسال از مذاکرات هیئت نمایندگی ایران سرکب از آقایان مهندس بازرگان، دکتر یزدی و دکتر چمران با پروژنیسکی میگذرد. مضمون این مذاکرات تاکنون از مردم ایران پنهان مانده است. چرا؟ با توجه به اینکه پروژنیسکی طراح اصلی توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، مردم ایران می‌طلبند که مضمون این مذاکرات بیدرتگو بدون قید و شرط در معرض قضاوت افکار عمومی گذاشته شود.

هو اسم باشکوه بزرگداشت آیت الله طالقانی



دهها هزار نفر از مردم تهران، سالروز رحلت مجاهد بزرگ، آیت‌الله سید محمود طالقانی را گرامی داشتند. مراسم بزرگداشت مجاهد بزرگ، در بهشت زهرا، بزمدفن آن مجاهد و مزار شهدای انقلاب ایران برپا شد. دهها هزار نفر از مردم تهران، از جمله اعضا و هواداران حزب توده ایران در این مراسم شرکت داشتند. در این مراسم مردم با شور و خروش هزارها شاخه گل نار مدفن آیت‌الله طالقانی کردند و در تظاهراتی پرشور اعلام داشتند که، به مبارزه برای رسیدن به آمل آن مجاهد نستوه، که نابودی سلطه امپریالیسم آمریکا بر

امام جمعه تهران در نماز جمعه: حمله جماقداران به مراکز و کتابفروشی‌ها برای جمهوری اسلامی زشت و سنگین است

☆ اگر جماقداران تعرض بسازند، ما ملت را در برابرشان قرار خواهیم داد. ما همه تعارضات را که از سوی دشمن بزرگ ما، امریکای جنایتکار و شیطان بزرگ شناسایت میشود، برکوب خواهیم کرد. صفحه ۸

ما پیروان خط برژینسکی را (بهر لباس که در آیند) افشا خواهیم کرد

در صفحات بعد

نامه وزیر خارجه آمریکا سالوسی بی ارزشی است

نامه مورخ ۲۰ اوت ۱۹۸۰ (۱۹ مرداد ۱۳۵۹) ادومند عاسکر، وزیر امور خارجه ایالات متحده آمریکا به آقای رجایی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران که آقای نخست‌وزیر طی نطق خود در قه، بمناسبت روز شهدای هفدهم شهریور، آزرا فاش کرد و ببدان پاسخ داد و متن آن اخیرا در روزنامه‌ها انتشار یافته است، سندی است بیاتگر سالوسی و قیخانه امپریالیسم غارتگر و جنایتکار آمریکا.

در این نامه «برورد» گفته شده است که: «ایالات متحده واقعیت انقلاب ایران و قانونی بودن جمهوری اسلامی را رد کرد (!) می‌کند. ولی این «درک» مانع از آن نیست که دولت ایالات متحده آمریکا همه امکانات خود و عمال و دست نشاندهگان و مزدوران را بسیج کند، تا انقلاب و جمهوری اسلامی بقیه در صفحه ۸

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آری دشمن اصلی را، امپریالیسم امریکارا، توطئه‌های ضدانقلابی را، فراموش نکنیم

توجه مردم سخت بسوی رویدادهای داخلی کشور معطوف است. توده‌های وسیع مردم از مشاهده اینکه، مشاجره در بین مستاندارگان حکومتی و مراجع تصمیم گیرنده بالا میگیرد، بشدت تکرارند. برای اکثریت مردم این اختلاف آشکار بین افراد و شخصیتها، که همه صحت از خط اسلام در انقلاب و جمهوری اسلامی میکنند، به آسانی قابل درک نیست و نظرها و افکارشان متوجه این وضع و یوژه نگران تاج و عواقب آن است.

این توجه کاملاً درست و تکرانی کاملاً بحق است، زیرا که در نخستین گامهای مرحله تازه رشد انقلاب ما تزلزل ایجاد می کند. نمیگذارد جمهوری اسلامی در مساعدترین شرایط، استقلال خود را تحکیم کند و آزادی خود را تثبیت نماید.

این وضع خطر آن را در پی دارد که انحصار توجه را معطوف اختلاف نظرها، تفاوت سلیقه‌ها و موضع گیریهای گوناگون در صحنه روابط بین گروهها و شخصیتها کند، و دشمن اصلی - امریکای جایتاکر را از نظر دور دارد.

تداوم اختلافات درونی این خطر را دارد که مقامات مسئول و ارکان های جمهوری مردم، درگیر و در این مشاجرات و مخالفتها، از هشجاری نسبت به توطئه‌های ضد انقلابی امپریالیسم امریکای غافل شوند، و همه میدانیم که این توطئه‌ها چقدر مداوم، چقدر جدی و چقدر خطرناک است.

تداوم مشاجرات کنونی این خطر را دارد که مقامات مسئول و ارگانهای جمهوری و مردم در جنبه رویارویی‌ها و هم‌ارویدیهایی که امروز شاهد آن هستیم و هر روز شدیدتر و علنی‌تر میشود، از یاد ببرند که دشمن اصلی در کین است و توطئه‌های شیطانی مکرر در مکرر میزاید و می پروراند و در کلیه صحنه‌های زندگی و همه شئون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی و معیشتی و روانی و تبلیغاتی بشدت فعال است.

داشتن اختلاف نظر بدیهی است. بیان آن در چارچوب هتیارهای بطلی امپریالیستی و نبرد علیه دشمن اصلی نیز ضروری و تقویت کننده سلامت و قدرت جامعه است. اما از یاد بردن دشمن و در پرده ماندن توطئه‌گران خطرناک است، میتوان انقلاب ایران و دستاوردهای آنرا بیاددهد، میتوان جمهوری اسلامی ایران را به نابودی بکشاند و از امر استقلال و آزادی و سعادت و بهروری، که آرزوی میلیونها ایرانی مبارز و انقلابی بود و هدف دهها هزار شهید بود چیزی بجای نگذارد. در آنصورت اصولاً از طرفین دعوا و از نظریات مخالف یا متفاوت آنها و از برنامه‌ها و عقاید گروههای مختلف اصیل انقلابی نیز نمیتواند صحبتی بجای بماند.

اینست آن خطری که در جنبه وضع کنونی و عدم تفاهمی که بر جو سیاسی جامعه حکم فرماده، ما را تهدید میکند، خطری که بی‌موجه نباید آنرا دست کم گرفت و بهر کسی که هشدار

میدهد و از فراموشی برحذر می دارد، باید تهنیت گفت، زیرا که دشمن مترصد چنین لحظه‌ای است؛ لحظه غفلت، لحظه عدم هشجاری، برای انجام توطئه‌ها. و همه میدانیم که این توطئه‌ها را پایانی نیست، نه در زمان و نه در تنوع. بگفته کاملاً درست و دقیق حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها: «امریکا تپای منافعی در میان است، دست از سر ما بر نمی‌دارد. امریکا می‌خواهد به هر قیمتی که شده، سلطه سابقش را بر کشور ما برقرار کند، نفت و منابع دیگر ما را غارت کند».

منافع امریکا، که رژیم منحوس شاه سگ پاسبان آن بود، بسیار کلان بودند، بنحوی که انقلاب بزرگ ایران، با ضربه عظیمی که بر سلطه سابق امریکا زد، نه تنها در مقیاس کشوری، بلکه در سطح منطقه‌ای هم منافع امریکا را با فلج و بالقوه بخطر انداخت و نابودی آنرا نوید داد. و بالاتر از آن، در مقیاس جهانی هم بر توازن قوا، به زیان نیروی امپریالیسم غارتگر و جبار تأثیر جدی گذاشت.

بی شک امریکا دیگر قدر قدرت نیست و نمیتواند آنچه دلخواه اوست عملی سازد. و اگر ما متحد و هشیار و بیدار باشیم و غافل و فراموشکار نگردیم، هرگز نمیتواند غلظی کند. ولی مگر او دست بردار است؟ خصلت امپریالیسم، تجاوز و غارت و ستم و استثمار است، و بازم بقول حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها: «امریکا ماهی است که در تاجوزگر است». تجاوز طیس در اردیبهشت ماه، توطئه کودتای همدان در تیرماه، نقشه‌های تجزیه ایران، برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی ایران، خرابکاری آشکار اقتصادی و یا پنهان سیاسی، تنها چشمه‌هایی از شکردهای این شیطان بزرگ است. حال دیگر تأیید شده است که بسی قبل از اشغال جاسوسخانه امریکا و هنگامی که اصلاحات «گروگان گیری» وجود نداشت، ایالات متحده و سیاه‌دلان کاخ سفید در اندیشه انجام کودتا بوده‌اند. حالا دیگر تأیید شده است که توطئه «جیش مثبت» که یک نقشه پر دامنه و عظیم براندازی باشکوه‌های گسترده نظامی و سیاسی و با وسایل مبینی بوده است، تا بهر قیمتی که شده سلطه سابق امریکا را باز گرداند. حالا دیگر ساگر چشم باز داشته باشیم و نخواهیم خود فریبی - مردم فریبی که هیچ - بکنیم. به آسانی میبینیم که توطئه‌های امریکا چگونه عرصه‌های گوناگونی چون ایجاد دشواریهای معیشتی و تشدید نارضائی، به تشنج کشاندن وضعی مایوس کردن مردم از انقلاب، سوء استفاده از تدابیر نابجا و تصمیمات نادرست، یورش تبلیغاتی و روانی، ترویج شایعات و سوء استفاده از رسانه های گروهی، ایجاد تفاق و چند دستگی، دامن زدن به تمهت‌ها و توهین‌ها و دروغها نسبت به نیروهای اصیل انقلابی، بسا همان سبک و سیاق نظامی و غیره و غیره را در پی میگیرد.

اینهاست آنچه که نباید فراموش شود: دشمن اصلی انقلاب ما، شیطان بزرگ - امریکای توطئه‌های رنگارنگش، چقدر بجاست

نلسون ماندلا از زندان:

بمناسبت روز شهیدان آفریقای جنوبی (۲۱ شهریور)

ما با سندان مبارزه توده‌ای و چکش پیکار مسلحانه رژیم آپارتید را درهم خواهیم شکست

میدان پرستان آفریقای جنوبی و نیروهای آزادیخواه و مترقی سراسر جهان هر ساله ۲۱ شهریور را بعنوان «روز شهیدان آفریقای جنوبی» بزرگ میدارند. ما باین مناسبت متن کامل نامه‌ای را، که نلسون ماندلا، رئیس «کنتره ملی آفریقای جنوبی» در حدود سه ماه پیش، از زندان دژخیمان نژادپرست آفریقای جنوبی، خطاب به همتوکان خود نوشت، در زیر چاپ میکنیم. ماندلا شانزده سال است که در اردوگاه معروف «جزیره رابن» در بند است.

در تاریخ ما تفنگ نقش پر اهمیت بازی کرده است. مقاومت سیاه پوستان علیه تجاوز استعمارگرانه سفیدپوستان با تفنگ سرکوب شد. با پیکار ما برای رهایی از فرمانروایی سفیدپوستان، با توسل به سلاح مقابله میکرد. تاریخ ما، از دوران تسخیر سرزمینمان تا کنون، یکسان باقی مانده است. رژیم‌های سفیدپوست، یکی پس از دیگری سیاهان بی سلاح و بی دفاع را به خون کشیدند. آنگاه هم که سیاهان دست به سلاح بردند، با ددمنشانه‌ترین خون‌آشامی‌های این رژیم روبرو شدند.

در آپارتید، نژادپرستی، سرکوبگری و سرشت غیر انسانی همه رژیم‌های پیشین سفیدپوستان تجلی می‌یابد. برای آنکه چهره راستین آپارتید را بنمایانیم، باید نقاب جمله‌پردازیهای «قانونی»، عبارات فریبنده و بازی با لغات را بدریم.

صدای شمشیر و تانک باردیگر این نقاب را بکنار زده است. ارتش و پلیس نژادپرست در زانگوشن‌های سیاهپوستان صدها مرد، زن و کودک سیاه را زیر باران گلوله گرفته‌اند، کشته‌اند و منگنه کرده‌اند. شکاره قربانیان، هم‌اکنون از همه کشتارهای این رژیم در گذشته متجاوز است.

آپارتید یعنی سیادت تفنگ و جلا. زره پوش و مسلسل و چوبه‌دار از دیگر مظاهر آن هستند، که فرمانروایان نژادپرست آفریقا، نخستین و ساده‌ترین راه حل را بیوسته در آنها جستجو می‌کنند. در گریز و در بحران کنونی، هنگامیکه مردم، مردگان خود و پرستاران، مصدومین را می‌شمرند، اینان از خویش می‌پرسند: چه آینده‌ای در انتظار ماست؟ از حکمرانان خود هیچگونه توفی نمی‌توانیم داشته باشیم. چه، آنها هستند که به سربرازان دستور قتل می‌دهند و روح آنهاست که با ماشه بازی میکند.

تنها کاری که از دست آنها برمی‌آید آنست که، از یکسوقول های مسموم بدهند، اینجا به مرمت ماشین فرسوده آپارتید پردازند، قانون اساسی را سیقل دهند، و از سوی دیگر صداهای را به سیاه‌چال کسبل دارند. هدف آنها آنست که به اتحاد سیاهان خلل وارد آورند و در میان نیروهای دگرگونی‌خواه تفرقه بیندازند.

اینان نه می‌توانند و نه میخواهند که به رای خلق گوش فرادهند. این رای، روشن و بری از ابهام است: آپارتید شکست خورده است. خلق ما، جوان و پیر، بزرگسال و کودک، به آن اعلام جنگ داده‌اند.

دانشجویان و جوانان در پیشاپیش صفوف پر خروش‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۷ گام بر میداشتند. دانشجویان و دانش آموزانی که سالها در دام نقشه‌های شیطانی نژادپرستان پرورش یافتند - نژادپرستان، که میخواستند با مغزشویی خویش، آنها را بنایه نوکران سربریز خود بار آورند.

اما پس از بیست سال، آموزش «بانو» با بن بست روبرو شده است و هیچ چیز بیشتر از شورش جوانان ما، ورشکستگی آپارتید را بشیوب نمیرساند. هر چند، آپارتید همیشه نترس از تنگنای دهشتناک و غیر انسانی بوده است.

هر چند سیاهان - آفریقای‌ها، تیره پوستان و هندیه‌ها همواره با آپارتید به مقابله برخاسته‌اند، ناآرامی‌های کنونی پرورشی نشان میدهد که، این نظام، برغم همه آرایشگری‌ها، دیگر غیر قابل تحمل شده است. بیداری خلق ما دیگر تنها از دوران بردگی الهام نمیگیرد. آنها اکنون این واقعیت را دریافته‌اند که، تا هنگامیکه آپارتید برقرار است،

هر هشدار که در این زمینه داده میشود، چقدر انقلابی است هر قدمی که برای نبرد با امپریالیسم تجاوزگر و چپاولگر، انتقام جو و حیل باز امریکا برداشته میشود، چقدر ضروری است که حتی در این گام‌ها هم به تشنج و تشنج و تشنج متاسفانه دامنه اش وسیعتر و اثراتش عمیقتر میشود، دشمن را از یاد نبریم و توطئه‌ها و نقشه‌هایش را فراموش نکنیم.

اگر هشجاری و بیداری لازم را از خود نشان دهیم چه همه مردم و چه گردانندگان امور - آنوقت با شناخت دشمن اصلی و با توجه دائمی به توطئه‌های او، کار غلبه بر اختلاف نظرها نیز آسانتر میشود، آنوقت امکان ایجاد تفاهم، که امام خمینی بارها بدان راهنمایی توصیه کرده‌اند بیشتر خواهد شد؛ آنوقت مسئله اختلاف نظر بشکل کنونی و در ابعادی که می‌رود تا فلج کننده شود - بهوش که می‌آید چنین شود - از صورت مسئله عمده حیات سیاسی کشور بدر می‌آید

و در چارچوب طبیعی و شکل بدیهی و معقول خود قرار میگیرد، که اگر اصولی و بیخاطر انقلاب باشد، تحریک بخش و یویا کننده نیز خواهد شد که چنین بسادگی در چنان صورتی، در بر تو مسئله واقعی عمده، که همان خطر جدی، دائمی و فوری امریکاست، این جو پر تشنج و عصبی جای خود را به محیط سالم و مطمئن خواهد داد، که با تکیه بر اصول و بر منافع انقلاب، بر همه تنگ نظریها، اغراض شخصی و خصوصی، گروه‌بازیهایی و انحصارطلبی‌ها... غلبه خواهد کرد و راه را برای تعمیق انقلاب و حل مشکلات عظیمی که کشور ما با آن روبروست، خواهد کند. همه اینها در گسروی شناخت ما از دشمن اصلی است، در گسروی هشیار بودن و غفلت نکردن ما در مقابله با توطئه‌های ضد انقلابی دشمن اصلی است.

همه هوش و حواس، همه گوش‌ها و چشم‌ها، همه هشجاری‌ها و آگاه‌ها را بسیج کنیم و رصدبند و



نلسون ماندلا، شانزده سال پیش در «دادگاه» رژیم نژادپرست «پرتوریا»

نه زندگی فردی پیشین ارزش دارد و نه حیات اجتماعی. ما در برابر دشمنی قرار داریم که در قمر انحطاط فرو رفته، ولی مضمم است که تسلیم نشود. راه رهایی دور است و دشوار. اما در درون مرزهای ما و برون از آنها، چشم‌انداز پیروزی نمایان میگردد.

نخستین شرط پیروزی، اتحاد سیاهان است. ما باید با هر تلاشی برای ایجاد تفرقه میان سیاهان و علم کردن یک گروه علیه گروه دیگر به ستیزه برخیزیم. مردم ما - آفریقای‌ها، هندیه‌ها، تیره پوستان و سفید پوستان دمکرات - باید در جبهه‌ای واحد متحد شوند. پیکار ما هر چه بیشتر به دشواری میگراید.

ما اینحق نداریم تفرقه و اختلاف را در میان خود راه دهیم. باید در هر گام و در هر پهنه به تحکیم صفوف خود پردازیم. قشرهای گوناگون خلق ما باید همه اختلافات خویش را کنار بگذارند و برای پیشبرد هدف یکانه یعنی رهایی کامل از آپارتید و سیادت نژادپرستان، متحد شوند. واکنش مقاومت آمیز چپانیان در برابر آپارتید گسترش می‌یابد و جبهه برده‌داران سفیدپوست همواره ضعیف تر میگردد. موزامبیک و آنگولا آزاد شده‌اند و پیکار آزادی بخش در نامیبیا و زیمبابوه هر چه بیشتر توان می‌یابد. سرزمین ما میدان سخت‌ترین نبردها خواهد بود. تا قاره ما آخرین حلقه‌های سیادت اقلیت سفید را نیز از پای خود بکشد.

جهان در کنار ماست. سازمان وحدت آفریقا، «سازمان ملل» و جنبش ضد آپارتید بر فشار خود به حکمرانان نژادپرست کشور ما می‌افزایند. هر کوششی برای افراد آفریقای جنوبی، پیکار ما را توان خواهد بخشید. هر چند نبرد ما در داخل و خارج به کامیابی‌های فراوان دست یافته است، ما هنوز راه درازی در پیش داریم. اما پیروزی ما قطعی است. ما زندانیان رژیم تبه کار پرتوریا به خلق خود و قربانیان مسلسل و چوبه دار درود می‌فرستیم. درود ما به شما زندگان، مصدومین و شهیدان، که دلیرانه علیه خود کمر می‌بازید. ما بر کور شهیدان زانو می‌زنیم و می‌گویی:

مردگان، بنمایه شهید در قلب و اندیشه ما، همچنان خواهد زیست. آنها ما را رافرا میخوانند که از تفرقه و نفاق بپرهیزیم، به تحکیم صفوف خود پردازیم و آزادی خلق را بازیابیم. ما به آپارتید به خوشبینی نمی‌نگریم. تفنگ‌های خادم آپارتید شکست ناپذیر نیستند. آنها که تنها بیاری تفنگ حکومت خود ادامه میدهند، باید با تفنگ به حیانتشان پایان داد.

متحد شوید! بسیج یابید! همواره بر زمین! ما با سندان مبارزه توده‌ای و چکش پیکار مسلحانه آپارتید و سیادت اقلیت سفیدپوست نژادپرست را درهم خواهیم شکست! آماندا نگار تو! آماندا نگار تو! آرونا! (در راه حکومت خلق بر زمین!)

کمیته مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

محمدهدای روزنامه فروش ۲۰۰۰ ریال
د. استاره از پوش ۲۷۵۶ ریال
اعضای حزب در هشتر طوالش ۸۱۰۰ ریال
ش. ف ۲۰۰۰ ریال
س. خ ۱۰۰۰۰ ریال
دبستانی ۲۰۰۰۰ ریال

علاقندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام «تقی کیمنش» شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی بپردازند.

توضیح

مصابحه با سرعقات (مدرج در نامه مردم، شماره ۳۳۰) بنقل از مجله نیوزویک، مورخ ۸۰۹۰۸ (۱۷/۱۰/۵۹) است.

توجه!

مقالات زیر، که در هفته گذشته در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود:

- تلاش امپریالیسم امریکا در راه احیاء جنگ سرد، محکوم به شکست است (شماره ۳۲۸)

- وحدت - بخاطر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی (شماره ۳۲۹).

بیدار، مواظب نقشه‌های دشمن انقلاب - امریکای جهانخواه باشیم.

ویژه پیروزی ما و منجمله ضامن غلبه بر وضع ناهنجار کنونی، همین هشجاری دائمی و جدی در برابر خطر دائمی و جدی امریکاست.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

خروج «کاک رسول» بیدلیل نیست

در روزنامه کیهان (شماره ۱۲ شهریور ۵۹) زیرعنوان «انقلاب به منابه تاکتیک مارکسیستی گریز از سکت!»، به قلم شخصی که خود را بنام «کاک رسول» معرفی کرده، مقاله‌ای انتشار یافته است. این مقاله را خواندیم و با حسن نیت در میان سطور آن با چراغ کشتیم، تا شاید یک روح سالم و یک میل سلیم بسود انقلاب بیاییم، ولی متأسفانه دست خالی برگشتیم.

«کاک رسول»، که خود را بعنوان یک مسلمان متعهد و صادق به انقلاب معرفی کرده، در لابلای سخنانش مدعی شده است که کیاست و درایتش قوه رسوخ اشعه ایگس را دارد، که از ورای همه «ظواهر کوجکتترین» جزئیات را تشخیص می‌دهد. کلمه «کاک» را هم، که به کردی به برادر بزرگ می‌گویند، به دنبال خود پدید کشیده، که خواننده مقاله باور کند که او یک نفر کرد است و آنچه نوشته، بزور دستور یا غرض کور نیست، بلکه بر اساس علم و اطلاع و امانت است.

ولی مع الاسف، همه این تلویحات و تصریحات «کاک رسول» بوج اندر بوج است. سرتابای مقاله بر آن گواهی می‌دهد که «کاک رسول» بایک قاضی منصف فرستگها فاصله دارد و همینقدر بیست است که دستوری و توصیهای دریافت کند، دوج و دوساب را بهم قاطی نماید و خشک و تر را باهم بسوزاند. مقاله به روشنی نشان می‌دهد که «کاک رسول» و الهام دهندگان وی طرفدار ادامه بلوا و غوغا و آشوب در کردستان هستند و با تمام نیروی خود در برابر ایجاد جوتفاهم و برادری و آرامش در این منطقه رنجیده و مخاطره انگیز مقاومت می‌کنند. نتیجه الزامی عمل آنان راندن دوسان انقلاب از صف پشتیبانان انقلاب است، که این هم منطقاً جز کوشش در تضعیف انقلاب و تقویت ضدانقلاب معنای دیگری ندارد.

«کاک رسول» از اینکه گروهیانی، به سبب دوران گرفتاری در جنگ گمراهان، براه درست برگشته‌اند، ناراضی است. می‌خواهد گمراهان همچنان گمراه بمانند و کسانی که روزی در سنگر محاصره علیه جمهوری اسلامی قرار گرفته بودند، سخرمخاصه را ترک نکنند و اگر غلط بود این موضع را درک هم کرده باشند، حق انتقال به سنگر دفاع از جمهوری اسلامی ایران را ندارند.

پس از مطالعه مقاله، ما به این نتیجه رسیدیم که «کاک رسول» بالفرض اگر دکتور فیزیک و ریاضیات هم باشد، در مسائل سیاسی حتی اعمال آریه راهم نمی‌داند، یعنی «کاک رسول» خیلی بیادماست.

خلاصه محتوای مقاله «کاک رسول» اینست که ایشان انشعاب در حزب دمکرات کردستان ایران را (و همچنین در سازمان چریکهای فدایی خلق را) یک انشعاب «فرمایشی» و «تاکتیک مارکسیستی گریز از سکت» میدانند و معتقد هستند که رهبری این تاکتیک را تاکنون حزب خائن توده عهده دار بوده... و حال که چنین است، چست رابیندو دهاست را باز کن و «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو»...

آیا «کاک رسول»، که تظاهر به اسلام بیگند، به اصل اسلامی «امربه معروف و نهی از منکر» معتقد است یا نیست؟ بخشی از دمکراتها به منکر بودن هم سابق می‌برده و صادقانه اعلام کرده‌اند که آن راه را ترک می‌کنند و به راه «معروف» درمی‌آیند و علامه به این راه درآمده‌اند و به همین علت نیز مورد غضب حیوانی گروههای ضدانقلابی در کردستان قرار گرفته‌اند. «کاک رسول»، که مدعی پیروی از اصول اسلامی است، می‌بایست به حکم اصل «امربه معروف و نهی از منکر» به استقبال گروه منشعب از حزب دمکرات برود، دست آنها را بگیرد، تسویق و تقویشان کند، و از دولت بخواهد که با تکیه بر پیام تاریخی امام خمینی و تقویت همه نیروهای سالم کردستان بحران کردستان را حل کند و جنگ برادر کشی را پایان دهد.

ولی «کاک رسول» برچمدار «امربه منکر و نهی از معروف» گشته و انشعاب کنندگان را، که به سنگر مدافعان انقلاب منتقل شده‌اند، بباد ناسزا میکشود و افشاکریهای صادقانه آنها را دلیل محکومیت آنان قلمداد می‌کند. این عمل «کاک رسول» بار دیگر نشان می‌دهد که، آدمی با ریش گذاشتن و تسبیح بدست گرفتن مسلمان نمی‌شود و به قول امام خمینی «ای بسا خرقه که مستوجب آتش باشد»... «کاک رسول» حزب توده ایران را به «جرم» اینکه رهبری این تاکتیک (یعنی جداسدن بخشی از دمکراتها و حرکیها از مواضع نادرست و بیوستن آنان به صف مدافعان جمهوری اسلامی ایران) را «عهده دار بوده»، یعنی به «جرم» اینکه برخلاف ایشان و همگرا نشان، امربه روف و نهی از منکر نموده، «خائن» خوانده است.

ما وجدان بیدار میلیونها برادر و خواهر مسلمان خود و مبارزان و متفکران متعهد اسلامی را به قضاوت می‌خوانیم: آیا حزب توده ایران، که چه در داخل ایران و چه در بیخ قاره جهان بانام نیرو و اعتبار خود، در تگابوی یافتن دوست و پشتیبان برای رژیم جمهوری اسلامی ایرانست، «خائن» است و یا افرادی مانند «کاک رسول» و بویژه الهام دهندگان وی، که با جماق تحریف، دروغ و تفتین، شب و روز جز راندن دوسان انقلاب از صف انقلاب و وظیفه دیگری برای خود نمی‌شناسند؟ و اما درباره «فرمایشی» بودن انشعابهای نامبرده و ارزیابی آنها به مقایسه «تاکتیک مارکسیستی گریز از سکت» «کاک رسول» با گاهی تلویحاً و گاهی تصریحاً مدعی است که حزب توده ایران از همان آغاز امر بر حزب دمکرات کردستان و بر سازمان چریکهای فدایی مسلط بوده و یکباره احساس «سکت» کرده و لذا برای «گریز از سکت»، به هردوی آنها فرمان «انشعاب» صادر نموده است.

سرتابای این برداشت‌ها و مدعاها و غیبه‌گویی‌های «کاک رسول» دروغ است و هرچه جستجو کردیم نامی جز «خزعلات» سزاوار آن نیافتیم. سازمان چریکهای فدایی خلق، که از نخستین روز تولدش و از روزهای حادثه سیاهکل تا به امروز، به حزب توده ایران می‌تازد و سیل فحش و ناسزا از قبیل «خائن»، «روزیونیست»، «فرصت طلب» و غیره نثار حزب ما کرده، از کجا و کی زیرسلطه حزب ما قرار داشته، تا به دستور حزب ما انشعاب «فرمایشی» راه بیندازد؟! آنشعاب در سازمان چریکهای فدایی خلق و حزب دمکرات کردستان و یا هر سازمان دیگری، از روند رشد داخلی این سازمانها سرچشمه گرفته و می‌گیرد. درست است که روشنگریهای نظری و سیاسی حزب توده ایران در این جریان، (و جدا ساختن نیروی سالم از ناسالم) نقش مهمی داشته و ما به آن افتخار میکنیم. ولی این انشعابها بدستور مانیت و نمی‌تواند باشد. خود افراد این سازمانها بر حسب درک و جهان بینی و مواضع طبقاتی و حکم وجدان خود، مدتی در داخل باهم بحث و مبارزه داشته‌اند و چون به تفاهم نرسیده‌اند، کار به انشعاب سالم‌ها از ناسالم‌ها کشیده است. و بپادشاه این روند خرسند بود، و نه مانند «کاک رسول» آنرا بپادشاه تهمت و افترا گرفت و بر بالای سرش ابهام پلیس مایانه گذاشت.

«گریز از سکت» نیز مسئله روشن است. نگرانی همه میهن دوسان راستین و مبارزان وارسته ایران تنها و تنها از یک «سکت» است: سکت انقلاب و انهدام جمهوری اسلامی ایران، کسانی که انشعاب کرده‌اند و با محکوم نمودن خط مشی نادرست ضدانقلابی به صراط مستقیم دفاع از جمهوری اسلامی ایران روی آورده‌اند، برای نجات خود و گروه خود این کار را نکرده‌اند، بلکه هدف اصولی آنها نجات حق و حقیقت است، والا اگر منظور نجات شخص خود یا گروه خود بود، افراد و گروههای خود را در کوشش خود «گناه» جداشدن از ضدانقلاب مورد طعن و لعن «کاک رسول» قرار گرفته‌اند، می‌توانستند با ضدانقلابیون بی‌طرفتر شوند و بسیار صاحب پارسی همدست شوند و روز مبادا به آن سوی مرز فرار کنند، گمراهی که به امروز اینگونه افراد و گروههای ضد انقلابی در کشور موجودند و هنگام لزوم از مرزهای دریائی و زمینی و هوائی به خارج فراری کنند.

«کاک رسول» و همگرا نشی باید کتاب بخوانند و یاد بگیرند که در علم مارکسیسم، انشعاب «تاکتیک» نیست، بلکه نتیجه تصادم جهان بینی‌ها و مواضع طبقاتی مختلف است. مثلاً در حزب کمونیست اتحاد شوروی، که در مارکسیست بودنش نمی‌توان شک کرد، در سال ۱۹۵۳ (کنگره دوم) انشعابی بوقوع پیوست و حزب به دو قسمت «بلشویک» و «منشویک مجزا» شد. این کار یک «تاکتیک» برای فریب تزار و پسا گریز از سکت» و دیگر اهداف خرده بورژوازی با نهدی از این قبیل نبود. انشعاب در حزب کمونیست، انشعابی بود اصولی میان انقلاب و ضدانقلاب، علم و جهل، نور ظلمت، حق و باطل. اگر به گفته «کاک رسول» انشعاب «یک تاکتیک مارکسیستی» می‌بود، می‌بایست پس از گذشتن مرحله تاکتیک، بلشویکها و منشویکها با هم بیبوندند. ولی بطوریکه میدانیم، تضاد و فاصله میان بلشویسم و منشویسم هر بار عمیقتر شد و در روند طولانی انقلاب و ساختن سوسیالیسم بالاخره بلشویسم پیروز گردید و منشویسم به زوالم دان تاریخ رفت.

«کاک رسول»، که ضد مارکسیست است و لذا منطقاً طرفدار اصول و فلسفه بورژوازی است، همه چیز را قیاس بر نفس می‌کند و دنیا را با عینک اخلاقیات بورژوازی می‌بیند. ایشان دنیا را یک جنگل وحوش می‌دانند، که هر حیوانی از ترس حیوان قوی‌تر، همیشه در جستجوی مقر و راه حفرزدن است. به نظر ایشان در این «جنگل دنیا» و در میان ساکنان آن، صداقت و صمیمیتی وجود ندارد و همه کارها کلاه برداری و حسابگری و سارلاتانازی است. ولی به نظر مارکسیستها، دنیا زادگاه انسانیت و مهد آزادی است، و انسانها گرگ یکدیگر نیستند، بلکه دوست و برادر و غمخوار یکدیگرند. به نظر مارکسیستها، انسان دراصل، کلاه بردار و سارلاتان و جنایتکار نیست، بلکه شریف و مقدس و پاک و پاکیزه است. به نظر مارکسیستها، جز تضاد طبقاتی که میلیاردها خلق مستضعف و زحمتکش و محروم و شریف را در مقابل یک مشت استعمارگر، استثمارگر، استثمارگر خونخوار، یاغی طاغی فاسق فاجر قرار می‌دهد،

هر اختلاف دیگری از راه تفاهم و صلح و صفا قابل حل است و برای حل آنها باید به شرافت انسانی و باکی سرشت وی اعتماد کرد و از آن مدد گرفت، اگر دیر روز اشتباه شده، باید امروز به آن اشتباه بی‌پرد، از آن راه برگشت و از کسی که از راه کج به راه راست برمی‌گردد، باید استقبال و تسویق کرد. باید اصل عمیقاً «امر به معروف و نهی از منکر» را که یک اصل عمیقاً انقلابی اسلامی است، نه در روی کاغذ، بلکه در عمل قبول و اجرا کرد.

مطلب دیگری را هم نباید ناگفته بگذاریم. انشعاب در سازمان چریکهای فدایی خلق و در حزب دمکرات کردستان چند ماه پیش رخ داده، آیا تا امروز «کاک رسول» کجا بود و چرا بخواب رفته بود و چطور شده که پس از گذشتن ماهها، ایشان ناگهان از خواب بیدار شده و به فکر «بررسی» انشعابها افتاده‌اند؟

اگر بگوئیم (و حق هم داریم بگوئیم) که خروج «کاک رسول» در این موقع بی دلیل نیست و دلیلش هم متحدالآمال ضد توده‌ایست که اخیراً از جانب محافل معینی برای محافل معینی صادر شده است، چیزی خلاف واقع نگفته‌ایم.

بسرتابای مقاله «کاک رسول» توجه کنید. ظاهراً موضوع مقاله حمله به انشعاب گران و صداقت آنهاست، لکن در اصل حمله به حزب توده ایرانست و ولی رنج بیپوده کشیده‌اند.

اگر آن طور که «کاک رسول» مدعی است «ابر قدرت سرق» خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بوده و هست، اگر حزب توده ایران خیال سرنگونی این جمهوری را داشته و دارد، اگر حزب دمکرات کردستان «شاخه نظامی حزب توده» و «فرمانبردار حزب توده» است و اگر سازمان چریکهای فدایی «کوش به فرمان» حزب توده ایران است، و اگر... در اینصورت ما توده‌های دیگر معطل چه چیزی بودیم و چرا بجای همدست شدن با دیگر مخالفان جمهوری اسلامی ایران، این مخالفان رازیر آتش بی‌امان افشاکریهای خود قرار میدادیم و در عقیق گذاشتن خطرناکترین توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران، به زمامداران این جمهوری کمک میکردیم؟

به نظر ما، «کاک رسول» دستور دریافت داشته است که در روزهای که ۷ هزار تاجیکستانی، شوروی چون آنچه نامرئی به خاک ایران وارد شده‌اند، و در ایامی که «اشخاص متفرقه!» برای حزب توده ایران «خانه تیمی!» غیر موجود و انبار خیالی «سناریست ضد جمهوری اسلامی» کشف می‌فرمایند، و هنگامیکه «خانه» حزب ما و روزنامه ما و سازمانهای ولایتی، مورد تهاجم و اشغال غیرقانونی قرار می‌گیرد، ایشان هم در پیونده سازی علیه حزب توده ایران شرکت کنند. روزنامه کیهان هم با سخاوت تمام صفحات خود را در اختیار «کاک رسول» میگذارد.

منظور همه این ساهکارهای لیبرالها اینست که، دشمن موهوم برای جمهوری اسلامی ایران بترانند، تا خطر دشمن واقعی، یعنی آمریکا از مرکز توجه دور بماند. زمامداران جمهوری را از دشمن موهوم می‌ترسانند، تا با دشمن واقعی یعنی آمریکا جانی سخت نگیرند.

در واقع جمهوری اسلامی ایران با داشتن «دوستان» و «مدافعانی» چون «کاک رسول» بدشمن نیازی ندارد. به این «کاک رسول» باید گفت: ای کاکا! تو که مثل ما خانها اشغال شده و کاسانها به غارت نرفته و یقین نسانی و آدرسی و امنیتی داری، پس چرا اسم سربت را از خوانندگان

قایم کرده‌ای و ترشحات مغز سربت را به نام «کاک رسول» بخورد مردم داده‌ای؟ تو کیستی و از کجا آمده‌ای. سابقه خدمت چیست؟ چه اطلاعاتی از تاریخ انقلابهای ایران و خلق رنج دیده کرد داری که، اینگونه شمشیر در دست، در این گیرودار حوادث و در دورانی که وجود حتی یک دوست برای جمهوری اسلامی ایران فتنم است، دوستان را بطرف دشمنان میزانی؟ چرا اجرای دستور برزیل را، که ایجاد نفاق در میان انقلاب و دوستان صديق انقلاب است، بنام «اسلام» جاپی زنی؟ چرا... آخر چرا؟

«کاک رسول» می‌نویسد:

«خاموش شدن تفنگها در کردستان، به منزله پایان جنگ نیست. بلکه تازه آغاز جنگ است.

منتها جنگ اصولی‌تر. جنگ سیاسی - ایدئولوژیک، جنگ تبلیغاتی. اگر ما اجازه بدهیم که دشمن با تغییر تاکتیک بخوابد جنگ را در یک مسیر عمده‌تری ادامه بدهد و به آخر برساند، مطمئن باید بود که خواهیم باخت»

پس از خواندن این مطالب خود بخود چند سؤال پیش می‌آید.

سؤال اول اینکه: این «ما» که «کاک رسول» بنام آنها سخن می‌گوید، چه کسانی هستند؟ مردم ایران که چنین فکری کنند.

سؤال دوم اینکه: مگر اجازه تاریخ بدست شما است و از گذشته درس نگرفه‌اید؟

سؤال سوم اینکه: چرا «کاک رسول» با این قاطعیت «مطمئن است که، در صورت برقراری صلح و صفا در کردستان این «ما» ی ایشان «خواهد باخت»؟

و این «ما» ی ایشان چه خاصیتی دارد که، فقط به شرط ادامه جنگ برادر کشی می‌تواند برنده باشد.

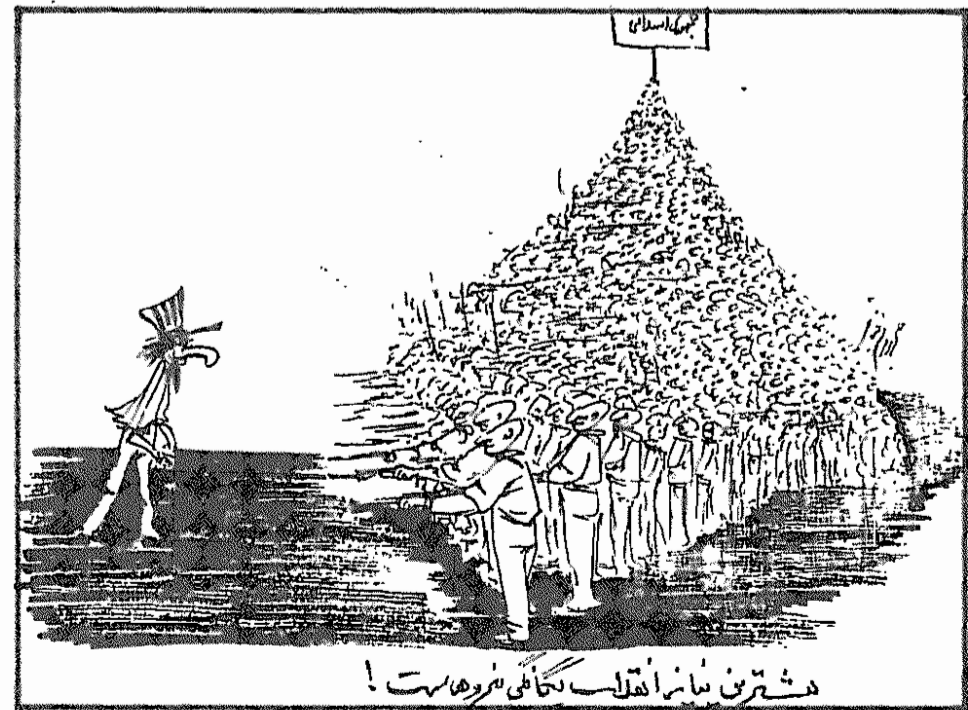
ایشان از مبارزه سیاسی - ایدئولوژیک بیشتر می‌ترسند تا از جنگ مسلحانه، و این بدان معنی است که، «کاک رسول» به سیاست و ایدئولوژی خود اعتماد و اعتقاد ندارد. و لا کسی که به سیاست و ایدئولوژی خود اعتماد و اعتقاد داشته باشد، از رویارویی با دیگر سیاستها و ایدئولوژیها باکی ندارد. زیرا اطمینان دارد که توده مردم از ایدئولوژی و سیاست او بیرونی خواهند کرد و دنبال ایدئولوژی و سیاست غلط و گمراه کننده دیگران نخواهند رفت و خود بخود بازارد دیگران ورسکت خواهند شد.

بحث درباره «ما» ی «کاک رسول» را بدین منظور مطرح کردیم که، بی اعتقادی و بی اعتمادی ایشان را نسبت به سیاست و ایدئولوژی خود نشان دهیم. والا ما اعتقاد راسخ داریم که درباره نیازمندیهای امروز انقلاب ایران هیچگونه اختلاف خاصی میان مدافعان صديق انقلاب ایران وجود ندارد. بیرون صديق امام خمینی و دیگر مدافعان انقلاب و درونیت اول حزب توده ایران بر این عقیده هستند که، یک انقلاب عظیم ضد امپریالیستی و خلقی، به رهبری امام خمینی در ایران بوسط پیوسته که باید با جنگ و دداندن از آن و ازمولودان جمهوری اسلامی ایران، دفاع کرد و انقلاب را بسود کوخ نشینان تداوم بخشید و عمیقتر ساخت، همه کسانی که از راههای استیفا آمیز جدا میشوند و در این خط قرار میگیرند نیز همینطور فکری کنند و جز این علت دیگری برای تغییر موضع نمی‌تواند وجود داشته باشد.

کسانی مانند «کاک رسول»، که حتی بسط پیروزمندی ایدئولوژی و سیاست خود اعتقاد و اعتماد ندارند و مناقع امروزی و میرم انقلاب را، که دوست اندوزی برای انقلاب و تحکیم وحدت صفوف مدافعان انقلاب است، فدای «آینده نگریهای» کوتاه بینانه خود می‌کنند، حق ندارند بعنوان «ما»، از جانب انقلاب سخن بگویند، و بمراتب اولی، اجازه دادن و پسا ندادن هم در دست آنها نیست.

برخلاف «کاک رسول»، ما معتقدیم که باید دست کسانی را که از اشتباه و انحراف جدا شده و به سوی انقلاب می‌آیند، به گرمی فشرود، به آنها اعتماد کرد، آنها را تسویق و دلگرم و تقویت نمود و بدکم همه نیروهای صديق انقلابی، صرف نظر از تفاوت در عقاید سیاسی، مسلکی و مذهبی، گرهها را گسود و مشکله را از سر راه برداشت.

و باید اطمینان داشت که، فقط یک چنین ایدئولوژی و سیاستی برد نهائی قطعی خواهد داشت.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

مردم روستای «نیو» حتی آب آشامیدنی هم ندارند



سبزی، مجبور است بجای درس خواندن، به پدرش در دامداری کمک کند، او میگوید: «اگر ما زندگی راحتی داشته باشیم، من میتوانم درس بخوانم.»

«نیو» روستایی است در ۴۰ کیلومتری کارون. در این روستا دهقانانی زندگی میکنند که تا برای سیروی انقلاب مبارزه کرده اند. برای آشنایی با این دهقانان مبارز و مسائل آنها به این روستا می‌رویم.

۱۵ خانوار ساکن در این روستا از طریق دامداری و کشاورزی امرار معاش می‌کنند. از بوستان تانبو، اراضی کشاورزی فراوانی وجود دارد، که نه تنها دهقانان، بلکه دهقانان کاروانسرای کارج بروری آن کشت دیم می‌کنند. کشت دیم گندم و جو برپایان خندان درآمد ندارد، بطوریکه حتی برای تأمین غذای ساده در ضیقماند. علاوه بر مشکلات عدیده کشاورزی و دامداری، دهقانان این روستا آب آشامیدنی هم ندارند و برای تهیه آب مجبورند سن از صرف مقداری از وقت خود، آب را از در کلبه‌تری محل، از کوه‌الیهایی گه آب ساران در آنجا ذخیره می‌شود، تهیه کنند.

آقا جان، بی‌مرد ناتوانی، میگوید: «اگر همه این زمینها آب داشتند، ما به غنی داشتیم؟ زراعت دیم، تازه اگر باران مناسب بیاید، عایداتی برپایمان ندارد. چند سال پیش، در حدود ۴۰۰۰ سال قبل، ۵۰۰۰ من از زمینهای خود را به قیمت ۵۰۰۰ تومان در حدود ۵۰۰۰ تومان فروختم. البته مجبور بودم، چیزی نداشتم. از گرسنگی می‌مردم، حالا می‌خواهم بمن رسیدگی شود. در حدود ۷۰ هزار تومان پول داده‌ایم، تا با کمک دولت برپایمان آب بیاورند، ولی متأسفانه هنوز کار دارد.»

محمد رضا، بی‌مرد فلجی، میگوید: «از جوانی علیل شدم. قدرت کار کردن نداشتم. الان هم از طریق کمک این و اون با هزار بدبختی زندگی را می‌گذرانم.»

سبزی، پسرک ۱۲-۱۰ ساله، با زبانی از کوه بائین می‌آید. قیافه‌اش از گزند و غبار حرکت گوسفندان پوشیده نده است. می‌گوید: «ما توانایی نداریم که مدرسه برویم. البته بعضی‌ها می‌روند.»

بچه‌های ده، پس از تعطیل درس، همگی کار می‌کنند. عده‌ای در آوردن آب خانواده شان کمک می‌کنند. عده‌ای مسئول رجین کردن هندوانه بیج (دیم) هستند. تعدادی هم چوپانند و گوسفندها را نگهداری می‌کنند.

آقا جان می‌گوید: «آقا بخدا ساه مارا بدبخت وسیره‌ریز کرد. از خون ما می‌گرفت و به آمریکا می‌داد. کارتر فکر می‌کند ما را فراموش کرده‌ایم. نه! ما انشاءالله به دنبال رهبران امام خمینی تا آخرین قطره خونمان برای احقاق حقمان با آمریکا مبارزه خواهیم کرد. با همین گرسنگی و بدبختی، حاضریم با آمریکا بجنگیم. تو

اخبار هفتگانه

روستای کم‌آب احتیاج فوری به آب دارد

روستای کم‌آب در ۱۸ کیلومتری طایر قرار دارد. جمعیت این روستا در حدود ۴۰۰ خانوار است. قبل از انقلاب، رژیم طاغوت جهت تسامین آب-آشامیدنی این روستا و ایجاد منبع آب، مبلغ یک میلیون تومان بدست میمانکاری سرد. بعد از رفت و لیس غای معمولی، بالاخره منبع درست شد و حاه گنده شد. اهالی سبزی جیب خودشان هنوز لسان رالولکنی کردند. اما هنوز که هنوز است آب خیری بست. آنها فقط در انتظار یک بمب آب هستند. اهالی ناچارند از آب غیر بهداشتی برای آشامیدن استفاده کنند.

همین جریان در مورد حفر جبهه جهت آبیاری اراضی دهقانان، صادق است. کشاورزان در حدود ۲ سال پیش مبلغ چهارصد هزار تومان برای حفر جبهه پرداختند، لیکن بعثت وجود پس ماندگان رژیم سابق در درون دستگاههای دولتی این جریان عطی نشده است.

روستائیان بارها به دادگاه انقلاب همدان شکایت کرده‌اند، اما متأسفانه تاکنون هیچ اقدام موثری از جانب دادگاه انقلاب انجام نگرفته است. اراضی روستائیان، که در نتیجه تحمیل زحمات جانفرا بارور میشوند، طبیعتاً احتیاج به آب کافی دارند. این باروری نه تنها برای تأمین زندگی کشاورزان ضروری است، بلکه در این شرایط که کشور در محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا-این شیطان بزرگ قرار دارد، سودمند به حال انقلاب است. کمبود آب در این روستا و دیگر روستاهای کشور-مان رامستوان با حفر جاهای عمیق و نیمه عمیق و واگذاری بمب های آب، حیران کرد.

دهقانان منطقه «جره بالاده» خواستار رسیدگی مقامات مسئول به مشکلاتشان هستند

مطعمه جره بالاده، در ساحه کیلومتری جنوب کارون فارس واقع است. محصول اصلی این ده‌صعی کاری و کدوم کاری است. در سال جاری، دهقانان اس مطعمه، سیرو دستور امام خمینی، با سیرو غرچه سامتر به گازگست برداشتند و در حدود ۵۰ عراس بیار تولید کردند.

در سالهای گذشته، سازمان تعاون روستایی، باراد محصول دهقانان این مطعمه را خریداری می‌کرد، ولی امسال، سامعوان اینکه دولت قدرت خرید ندارد، از خرید محصولات دهقانان شانه حالی کرد.

دهقانان برای فروش ۵۰ هزار تن محصول بیاز خود، که بهاره و فاسدشدنی است، به اساننداری کارون و شیراز مراجعه کردند و بالاخره پس از دو ماه دوندگی، در تاریخ ۵۹/۲/۲۳، وزارت بازرگانی حاضر شد بیاز آنان را خریداری و به صادرحوس صادر کند (در سال ۵۸ هم اجازه صدور داده شده بود). چون محصول بیس از صرف داخلی است و همواره بخشی از آن صادر می‌شده است.

متأسفانه فرامداری و گمرک بندرلنگه مانع صدور این محصول به خارج شده و محصول را برگشت داده‌اند. دهقانان مطعمه جره بالاده و حومه-سرار، طی تلگرامی برای مدیرکل گمرک ایران، وزیر کشاورزی، وزیر بازرگانی، دمنرامام و رئیس صهروری و ادارات مسئول در استان فارس خواستار رسیدگی به کار خود و باکساری ادارات از عوامسل صدانقلاب و کارکنان شده و ذکر کرده‌اند که جناحه ترتیب استفاده از محصولی که طی یکسال با خون دل بدست آورده‌اند، داده شود، کلیه محصولات را که عیرقابل انبارکردن و غیرقابل فروش در بازار آزاد و در حال فاسدشدن است، به شهران حمل خواهد کرد. آنها در تلگرام خود اظهار عقیده کرده‌اند که این عمل ضدانقلاب است که تصمیم به بابودی کشاورزی گرفته، چون سال آینده دیگر کسی کست نخواهد کرد.

ماخواهان رسیدگی مقامات مسئول به کار این دهقانان هستیم. تا از ایجاد ناراضی و به عذر رفتن کاریکسانه دهقانان زحمتکش جلوگیری شود و فرامد سن محصول رنج آنان جلوگیری بعمل آید. ضرورت یک سرامهریزی دقیق و روشن، خرید محصولات کشاورزی و با تضمین آن بیس از بیس در همه موارد حس می‌شود.

دفترا ن بنویسید که یک نویسی این حرف رازد ۱۱ دهقانان روستای نیو، در جریان انقلاب ضد-امپریالیستی و حلقی مردم ایران، دوش بدوش مردم کارون، علیه رژیم شاه خائن مبارزه می‌کردند. بخصوصی در جریان بنام ۲۱ و ۲۲ بهمن، با بیای مردم کارون، اماکن دولتی را تسخیر کردند.

رسیدگی به خواستهای روستائیان نیو، نامسی است در جهت مبارزه با امپریالیسم آمریکا. ایس دهقانان با صداقت و صمیمیت خودشان و با اعتقاد به انقلاب و آینده‌آن، از هرگونه حانفانسی برای بیروزی انقلاب درخ نمی‌کنند. با حل مسائل و مشکلات این گروه اردهقانان مبارز، آینده انقلاب را تست و از سروی آنان برای تحکیم انقلاب استفاده کنیم



دستها و چهره آقا جان، کویای سالها رنج و فقر است. او میگوید: «تا آخرین قطره خونمان برای احقاق حقمان با آمریکا مبارزه خواهیم کرد. این را توی دفترا ن بنویسید.» (روستای نیو - گازرن)

مشکلات روستای مشهد بهبهان

روستای مشهد، از توابع شهرستان بهبهان، در استان خوزستان قرار دارد. مسافت این روستا تا شهر ۳۲ کیلومتر و فاصله جاده سن ریزی شده‌ای که روستا را به جاده آسفالت مرتب می‌سازد، در حدود ۱۲ کیلومتر است. درباره مسئله آب و تقسیم آن در این روستا و روستای مجاور، در نامه «مردم» قبلا مطالبی نوشته شده است.

با اعدام ستانور موسوی، مالک قبلی، اراضی این روستا میان ۴-۵ خانوار تقسیم شد، که به هریک ۴-۱۰ هکتار زمین رسید. آب کشاورزی این روستا از جسمه تأمین می‌گردد، که استفاده مطلوب از آن به عمل نمی‌آید. عمده محصولات کشاورزی این روستا، گندم، جو و برنج است. وسائل کار کشاورزی همواره شکل سنتی خویش را حفظ کرده‌اند. قابل ذکر این‌که، اکثریت اهالی کار زراعتی را رها کرده‌اند و به نواحی جنوبی جهت اشتغال در کارخانه‌ها و شرکت‌ها ناه برده‌اند.

این روستا دارای یک فروشگاه و انبار شرکت تعاونی است. علاوه بر این، شرکت مزبور در زمینه‌های پرداخت وام ضروری، توزیع کود شیمیایی و خرید مازاد محصول، به روستائیان یاری می‌رساند. روستائیان به مقدار قلیل وام معترضند و چندین بار بدین جهت به مقامات مسئول مراجعه کرده‌اند.

آب آشامیدنی روستا به وسیله موتور از چشمه تأمین و به منبع منتقل می‌گردد و سپس در لوله‌های آب جاری می‌شود. در سال ۴۲ یک دستگاه حمام در این روستا ساخته شد، که به علت بی‌نوجهی

روستائیان بر نایج را دریابید

روستای بر نایج یکی از روستاهای کرمانساره است. در این روستا ۱۴۰ خانوار ساکن هستند و جمعیت آن به ۷۰۰ نفر می‌رسد. از این عداد ۱۵ خانوار بی‌زمین هستند. همجنس ۵۰ خانوار ۲ تا ۵ هکتار، ۱۷ خانوار ۵ تا ۷ هکتار، و ۷ خانوار از ۱۰ تا ۱۵ هکتار زمین دارند. سبک خانواده روستای بر نایج دارای اراضی بسعت سین از ۱۵ هکتار است.

این روستا فاقد بزرگ مالک است، لیکن اراضی تحت مالکیت روستائیان بسیار ناچیز است، بگونه‌ای که کفاف زندگی آنان را نمی‌کند.

روستای بر نایج فاقد آب آشامیدنی، راه و برق است. اهالی آب آشامیدنی خود را از حوضهای که در فاصله زیادی از ده برادر دارد، تأمین می‌کنند.

روستای بر نایج حاده حاکی و سنگلاخی دارد که به هنگام زمسان رفت و آمد در آن دسوار است. این روستا فاقد برقی است. اهالی بر نایج معترضند که چرا با وجود اینکه هشتاد هزار تومان برای برق کسی بد دولت داده‌اند، تا بحال اقدامی صورت گرفته است.

در این روستا حمام محروبه عیر قابل استفاده‌ای وجود دارد که خود به عامل آلودگی و بیماری بدل شده است.

مدرسه روستای بر نایج سال گذشته برابری بر روی ویران شد و معلا مدرسه تعطیل است و اهالی در انتظار اقدام جهاد سازندگی هستند.

در بر نایج درمانگاهی وجود دارد که بیماران را مداوای سرباهی میکند، ولی فاقد سرنگ است.

در این روستا هنوز شورا تشکیل نشده است. دهقانان رحمکس بر نایج باید تا تکمیل شورای ده و تشکیل خود در اتحادیه دهقانان، به عاجل‌ترین سارهای اقتصادی و معیشتی خود بپردازند. در اس ده که با کسب زمین رو بروست، با تولید تعاونی و همکاری، با استفاده از وسایل کار دولتی، میتوان سه ارباب تولید کمک کرد و همچنین با ایجاد صنایع و کارخانه‌های حسی بکاران ده را به کارگذاشت.

برای احیای کشاورزی و بهبود وضع زندگی باید مشکل و محدودیت. اسحاده‌های دهقانی سیرو دهقانان رامسکل و مسج می‌کند تا در همکاری با نهاد های اعلیای یاسخ سازهای دهقان سیداشود. سوری ده باید شکل شود و با انتخاب اعضای فعال و دلسوز و تماس با مقامات دولتی، از امکانات فابری خود استفاده کند.

زمین و امنیت حق دهقانان زحمتکش است

روستای جبران بلاغ در ۱۸ کیلومتری سرق کرمانساره واقع است. این روستا ۱۳ خانوار را با ۹۰ نفر در بر می‌گیرد. هر خانوار ۲/۵ هکتار زمین کمال (بایر) ۲/۵ هکتار زمین کمال (دایر) دارد. در روستای جبران بلاغ، ۹۰ هکتار زمین قابل بهره‌برداری وجود دارد، که سبک ۱۵ حوروار آن در اختیار روستائیان است که به سبب فقدان امکانات و حرمه محصی به سهرسره و درده مانده‌اند. باقی اراضی، در رژیم گذشته، عنوان میدان سیر مورد استفاده ارتش قرار می‌گرفت.

روستائیان زحمتکش روستای جبران بلاغ میخواهند که اراضی مذکور به آنان واگذار شود، تا موجب بازگشت جانورهای مباحره ده گردد.

این روستا فاقد درمانگاه، حمام، مسجد، برق و آب لوله کشی است. آب آشامیدنی این روستا سبب عیر بهداشتی و ملو از انواع میکروبهاست. یکی از مسکلاتی که روستائیان با آن مواجه هستند، فقدان امنیت در منطقه است. یکی از دلایلهای های بیکار روستای جبران بلاغ در این مورد و سایر مسکلات روستائیان می‌گوید:

«سال گذشته هر خانوار ۵۰ راس گوسفند داشت، لیکن بخاطر ناامنی منطقه و تعطیل شدن مدرسه روستا، اهالی گوسفندان خود را فروخته و به کرمانشاه رفتند و هنوز هم عده زیادی در شهر مانده‌اند. اگر اهالی از آب، امنیت، برق، درمانگاه، و زمین به اندازه کافی برخوردار باشند، به روستا برمی‌گردند.»

خاصه خانم، یکی دیگر از اهالی روستا، که سربیمارش در همدان بستری است، می‌گوید: «پس از اینکه بسم را به همدان بردند، دیگر کسی نیست که برای ما کار کند و زندگی ما را تأمین کند. دو دختر ۱۴ و ۷ ساله داریم. حالا اهالی ده هر کدام به سهم خود کمکمان می‌کنند.»

اگر هیبت ۷ نفری منافع دهقانان و مصالح کشور را در نظر نگیرد، می‌نواند به سرعت یک واحد متاع در آن ۹۰ هکتار زمین، با استفاده از وسایل دولتی تشکیل دهد. آنوقت مساحران روستایی سی تردید باز خواهند گشت و مطمئن خواهند شد که دولت انقلاب در جهت خواستهای حقه آنها عمل کرده و میکند.

جاده و آب بند می خواهیم

محروم گشته‌اند.

دهقانان خواستار آن هستند که مسئولین با دادن یک پولدور و سل مکانیکی، هم حاده را مرمت کنند و هم آب سندی بر روی کانال آب احداث نمایند. برابری آب، میزان محصولات دهقانان امسال خندان رضایت بخش نبوده است.

عمجنین این روستا فاقد برق و حمام و آب لوله کشی است و مسئولین نیز در این زمینه تاکنون اقدامی نکرده‌اند.

دهقانان با تشکیل شورای ده و انتخاب اعضای فعال و دلسوز، و از طریق همکاری با نهاد های اعلیای بخصوص جهاد سازندگی، میتوانند این مسکلات را حل کنند و به کارهای اساسی رسید تولید بپردازند.

در دیار گرما و کاروبی پناهی



در این جهنم گرما و زحمت " در کوره قنبری:

صاحب کوره میگوید: "برای من صرف دارد که از اینجا کارگر بگیرم. کارگر شهر توقعش زیاد است، اما اینجا چون بیگار بوده اند، زیاد توقع ندارند. هر کارگر هم باید غذای خودش را بیاورد."

کارگری به نام بهرام زارع میگوید: خودکار فرما حقیقت را گفت، او زیاد به ما محل نمیگذارد. دوتا بچه دارم با یک زن. اول جوانیم است. آیا نباید مزد بیشتری داشته باشم؟ مگر ما نباید مثل آدمهای درست و حسابی زندگی کنیم؟"

و ناگهان متوجه می شود که باید آجرها را از کوره بردارد. دستش را نشان می دهد. تاول زده است: "اینهم کارما!"

کوره امیرحسین و کوره اکبرنیز همین وضع را دارند.

مشهدی خداداد از کوره قنبری:

بابیل گل را با آب مخلوط می کنند تا در قالب بریزد، اناره به فرزندش می کند و می گوید:

"این بچه کلاس چهارم است. سه چهار روز پیش مدرسه تعطیل شده خوب، توی کدام مملکت وقتی که مدرسه تعطیل می شود بچه در این گرما خست زنی می کند؟ آگه من وضعی خوب داشتم، اگر دستمزد بیشتر بود، که مرض نداشتم او را به کار بیاورم کسی به وضع ما کارگر نمی رسد، از بی سواد می گویند. من و این بچه ۱۵۰۰ تومان رویم مزد می گیریم. سش سرعالتله دارم. اینها را چطوری نان بدهم؟"

"از گرانای پدران در آمده. گوشت کیلوئی ۶۰ تومان، برنج کیلوئی ۱۰ تومان، روغن چلبی ۱۰۰ تومان. از کجا گیر بیاورم، باچه درآمدی؟ تازه توی دهمان (ده ما) هیچ امکانات زندگی نداریم. اکثر کارگران اینجا ازده - فاروغ اند."

مصیب ۱۳ ساله میگوید:

"روزی ۳۰ تومان مزد میگیرم. از صبح ساعت ۷ تا ۵ بعد از ظهر باید کار کنم. تازه مدرسه مان تعطیل شده است. اگر کار نکنم، چه کسی مادرم و برادرانم را نان می دهد؟ پدرم نیز کارگر است. هفتاد تومان مزد میگیرد، در حالی که هر روز از آجر ۴۲۰ تومان می فروشد. "هیچکدام از کارگران بیمه نیستند. در محیط کار از امکانات بهداشتی خبری نیست. تعدادی از کارگران افغانی در این کوره ها کار می کنند. آنها حاضرند حقوق کمتری بگیرند. سهمین دلیل صاحب کوره ها تمایل به استخدام کارگران افغانی دارند و این را پناه می گویند. کارگران این کوره سزخانه ها ایرانی اندولی... راستی آیا مقامات مسئول از وجود چنین دخمه هایی باخبرند؟"

حسن آباد، واقع در کیلومتر ۶۵ جاده شیراز - اصفهان، کمی بالاتر از نقش رستم، حدود ۱۵ کوره آجربری دارد. در هر کارگاه بین ۲۰-۱۵ کارگر، بسته به حجم تولید آجر، کار می کنند.

در این کوره ها با ساده ترین وسایل، آجر تولید می شود و بیشترین بار کاز و زحمت به عهده کارگران است. کارگران با تحمل گرمای شدید ناشی از حرارت کوره ها، با سیستم ابتدائی، ولی با مهارت خاص، پس از قالب بندی کردن خشت ها، آنها را در کوره می چینند. پس از حرارت دیدن، این خشتها تبدیل به آجر می شود.

زحمتکشان این آجر سازی ها، غالباً اهالی روستاهای اطراف هستند و به علت فقر و نداری و نداشتن زمین و امکانات کشاورزی به اینجا آمده اند. چهره های آفتاب سوخته و دستهای تاول زده و خوراک نان خشک و ماست، از مشخصات این کارگران است.

کارگران برای تهیه ابتدائی ترین وسیله زندگی، یعنی غذا، مجبورند فرزندان خود را در سنین ده ساله سالگی همراه خود به کار بگیرند و به این ترتیب با فروش نیروی کار خود و کودکان، سالیانه در زنده نگهداشتن خانواده ها دارند.

در کوره فرهاد حدود ۱۵ نفر کار می کنند. بیشتر کارگران ۱۳ تا ۱۵ ساله هستند. صاحب این کوره ها به منظور سود جوئی بیشتر، کودکان را اجیر می کند، تا هم مزد بسیار ناچیزی بپردازد و هم از انرژی جوانی کودکان حداکثر استفاده را در جهت بلایردن منافع خود بگیرد.

از زبان کارگران:

سیدرضا سبیری در حدود ۳ سال دارد، ولی چهل ساله به نظر می رسد. میگوید: "هنوز حقوق یک ماهم را نگرفته ام. صاحب آجر سازی امروز وفردا می کند. اگر صدامان در بیاید، نه پدیدیده ا خراجمان می کند و میگوید، زیاد دبر حرفی نکنید، میروم کارگر افغانی مفت و ارزان بیاورم. آخرین شبانه روز در کوره کار می کنم. شبها هم مجبورم کوره ها را روشن نگذارم و از آن مواظبت کنم. خلاصه زحمت ما زیاد است، و با این وجود هنوز نمیدانم که حقدر حقوق به من خواهد داد. شاید در حدود ۸۰-۷۰ و یا ۹۰ تومان باشد."

علی پیرزاد، کارگر دیگری میگوید: "نگاه به غذای من بکنید. مقداری خوراک شب مانده است و یک مقدار نان خشک. دستا نشان می دهد. غرق تاول است."

"با این وضعی که ما داریم، چطور جرات داشته باشیم حرف از روغن و برنج و گوشت و غیره بزنیم؟ آدمهای فقیر و بیچاره ای چون ما کارگران نیاسود و رویر این چیزها بروند. چون خودمان خجالت می کشیم. ۱۰۰ ساعت کار و ۷۰ تومان دستمزد

کارکنان مؤسسه اتو شاهپور بشدت استثمار می شوند

اخبار کارگری

در مؤسسه اتو شاهپور حدود سیصد نفر کارکنان ایوبوس، مینی بوس، مکانیک و کمک مکانیک کار می کنند. این شرکت امورات و دهب کارکنان وزارت نفت را در تهران برعهده دارد.

در اس مؤسسه همراه مقداری از حقوق کارکنان ثابت حق بیمه کسری بود، ولی این مقدار از تمام حقوق دریافتی آنها کسری بود، بلکه حق بیمه هر یک از آنها بر مبنای حداقل حقوق یک کارگر (مؤسسه وزارت کار) کسری بود. بعنوان نمونه، حقوق ماهانه یک راننده بایه یک چهارهزار تومان است، راننده مزبور حاضر است حق بیمه خود را بر مبنای مبلغ دریافتی خود بپردازد، ولی برای شرکت سهم، میزان حقوق دریافتی طرح نیست و مبنای برای اس کار حداقل حقوق روزانه یک کارگر (بعنی روزی ۶۳۵ ریال) محسوب شده است.

کارکنان اتو شاهپور نسبت به این امر اعتراض می کنند. تقاضای آنها اینست که از آنها هم مطابق مؤسسات دیگر حق بیمه کسری شود.

برای کارکنان اتو شاهپور، حقوق بازنشستگی و کارامادگی وجود ندارد و اگر بیکار شوند، حقوق دریافت نخواهند کرد. آنها تاکنون باین امر نامه به وزارت بهداری و بهرینستی در این مورد ارسال داشته اند ولی تاکنون سببهای عاید آنها نشده است.

حندماه بیس به کوسر کارکنان، سدیکای کارکنان اتو شاهپور ایجاد سد.

سدیکاهمان او را کار خود تصمصم گرفت که طرح طبقه بندی مناسغل را در این مؤسسه بیاورد، ولی وزارت کار در این مورد از کمترین کمک سست به

آسپادریع وررید و این کار تاکنون انجام شده است. ناگفته ماند که ایات و دهب کله مؤسسات وزارت نفت، بالابگاه بهران، اسازری، اسبار ناری آباد، اسبارش، اسنار بهران نارس و غیره، طبق قرارداد برعهده اتو شاهپور است.

برای کارکنان اتو شاهپور سبب ساعت کار در روز معیوبی ندارد. این کارکنان حتی روزی با برده ساعت کار می کنند. هئامی که کارکنان سبب به این امر به کار فرما اعتراض کردند، او در جواب گفت: در اینجا ما کار هست ساعه ندارم! کارکنان سبب ما وزارت کار نمائین گرسند، ولی مسافه آنها از کار فرما حمایت کرد.

کار رورانه رانندگان شرکت به این سبب است که، ملا راننده ای باید عده ای مسافر را از میدان بحریس به راه آهن برساند. او باید با اسبوس حالی به سمران برود. مسیری را که او با سبب طی کرد، به حساب ساعت کار محسوب نمی شود، چون ما سبب حالی است. فقط از زمانی که یک مسافر سوار ما سبب است، کار آنها به حساب می آید.

مورد دیگری که، اگر بعضی در اسبیل ساعده بود و راننده آرایه معمر گاه سرد، این مدت حرو ساعت کار محسوب نمی شود. به اس ترتیب، کارکنان مؤسسه اتو شاهپور از جانب کار فرما سبب اسببار می شود.

کارکنان مؤسسه اتو شاهپور از مقامات مسئول می خواهند که هر چه رود سبب وضع آنها سبب کند و فوایی وزارت کار را در مورد آنها به مرحله احسرا در آورد.

کارگران کارگاه نمک کوبی سمنان را از مزایای قانونی برخوردار کنید!

وارد کارگاه نمک کوبی سدیم. فضای گرفته از گرد و خاک و صدای ماسین نمک کوبی توجه ما را بخود جلب کرد. در گوشه ای از کارگاه، مقدار زیادی سنگ نمک روسهم انباشته بودند و کارگری سنگ های نمک را روی دستگاه قرار می داد تا خرد و تبدیل به بودر نمک شوند. در گوشه دیگر سالی، چند نفر کارگر خرد پال مشغول برکردن نمک در کسبه های لاستیکی بودند.

با یکی از کارگران وارد صحبت شدیم و از او پرسیدیم: در این کارگاه چند نفر کارگر کار می کنند؟ او در پاسخ گفت: شانزده نفر. از این تعداد، پنج نفر اهل گنبد اند و بقیه کارگران سمنانی اند.

از او پرسیدیم: دستمزد شما حقدر است؟ پاسخ داد: "برای کسانی که بیمه اند، ۶۳۵ ریال است. کسانی که بیمه نشده اند، از مزایای قانونی برخوردار نمی شوند، ولی کارگران کنبدی بیمه نیستند. بنا بر این نمی توانند از مزایای برخوردار شوند."

او پرسیدیم: کارگاه چند نمک تولید می کند؟ او گفت: "روزی هفده الی بیست تن."

او اضافه کرد که: "ما از نظر بهداشت در وضع بدی قرار داریم و در این گرد و خاک کار کردن برای ما خیلی دشوار است. ما کنتراتی کار می کنیم و برای برکردن نمک

کوبیده در بسته های پنج کیلوگی، تنی یکصد و پنجاه ریال به دستمزد می دهند. با یکی از کارگران کشدی به گفتگو نشستیم. او گفت: "ما بیمه نیستیم، اگر حادثه ای برای ما رخ دهد، هیچکس به ما توجه نمی کند. در آن صورت حتی دستمزدی که قانون کار تعیین کرده است، به ما نمی دهند."

او اضافه کرد که: "ما شبها همینجا می خوابیم. چون وضع مالی ما طوری است که نمی توانیم اجاره خانه بدهیم. دستمزد ما آنقدر کم است که نمی توانیم با آن از پس گرانی بیاوریم."

با احدی از کارگران خردسال، که مشغول ریختن نمک به داخل پلاستیک بودند، صحبت کردیم. یکی از آنها گفت: "ما کنتراتی کار می کنیم و برای برکردن نمک کوبیده در بسته های پنج کیلوگی تنی چهارصد ریال دستمزد به ما می دهند."

او اضافه کرد: "ما از روستا می آیم اینجا کار کنیم و پولی به دست بیاوریم تا بتوانیم به خانواده هایمان کمک کنیم. از سائزده نفر کارگران کارگاه، فقط چهار نفر سبب هستند و از مزایای قانونی استفاده می کنند. بقیه کارگران، که ساکن سمنان نیستند، از محکومه مزایای برخوردار نمی شوند."



کودکانی که باید در مدرسه باشند، ولی در کارگاه نمک کوبی سمنان کار می کنند

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری وقاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

«طبق تحقیقات انجام شده توسط مامور انزاسی این اداره به کارخانه مذکور، کارفرما به وظایف قانونی خود در قبال کارگران آشنایی کامل دارد، مقررات قانون کار و مصوبات شورای عالی کار بطور کامل اجرا می گردد و کارگران از کلیه مزایای قانونی برخوردارند. لازم به توضیح است که ضمن تحقیقات و بررسیهای بعمل آمده هیچگونه موارد تخلف از اجرای مقررات قانون کار و اجتناف به کارگران مشاهده نشده است.»

درباره خبر مربوط به «کارخانه زرین مسلامین سمنان» مندرج در نامه «مردم»، شماره ۲۵۶، مورخ ۲۳/۳/۵۹، اداره کار و امور اجتماعی استان سمنان، طی نامه ای که به اداره ارشاد ملی استان سمنان نوشته و رونوشت آن به نامه «مردم» ارسال شده، اعلام کرده است که:

ماکیاولیسم روش انقلابیون اصیل نیست

در کارزار پر جنجال توده ستیزی و انتساب همه چیز و همه کار به حزبی که مورد بغض و کینه تاریخی و طبقاتی امپریالیسم و ارتجاع است، دشمنان و مخالفان از جمله دعوی می کنند که گویا حزب توده ایران طرفدار روش ماکیاولیستی است یعنی معتقد است که برای نیل به هدف، توسل به هر نوع وسیله ای، هر قدر هم ضد اخلاقی و ضد اصولی باشد، مجاز است، به سرت آن که تخریب و هدف رسد.

دستا " دره عمیقی است. می گویند و نمی کنند (بقولون و لایقون). این تضاد بین دعوی شقایب زیبا و فریبنده و اعمال واقعی زشت و وحشتناک برای سیاستمداران جهان سرمایه داری پیوسته نمونه وار بوده و هست.

علت روشن است. تازمانی که بهره کتی انسان از انسان و ملتی از ملت دیگر بعنوان مبانی طبیعی جامعه مجاز شده می شود، دیگر کجا ممکن است فضایل انسانی تلب و واقعی پیدا کند؟ وقتی بنیاد نظام جامعه ای بر غارت و ستم مبتنی است، اخلاقیات نزد مدافع آن نظام بوج است. ما بین هدفها و وسایل هنگامی تضاد نیست که، هدفها واقعا انسانی باشد. کسی که علیه غارت و ستم سرمایه داری، فئودالی، خان سالاری برمی خیزد، میتواند بین سبوه عمل خود با این هدفها هماهنگی را مراعات کند. به همین جهت کارل مارکس می گفت: "بهدفهای شریف تنها با وسایل شریف میتوان دست یافت."

پاییدایش احزاب طراز نوین کارگری و کشورهای سوسیالیستی، پایه تاریخی ایجاد هماهنگی بین سیاست و اخلاق برای اولین بار در تاریخ دیرینه انسانی پدید شده است. یک سیاستمدار انقلابی وقتی از صلح، استقلال، آزادی، شخصیت انسانی، حقوق بشری دم می زند، صدیق است، دروغ نمی گوید، زیرا در این راه عملا گام برمی دارد. ما بین دعوی اش و کردارش رابطه مثبت برقرار است.

حزب ما هرگز نظریات و نیات خود را نباشانده و خود را بدین کار مجبور نیانموندنی بیند. مثلا حزب ما، در عین پشتیبانی صادقانه، بی دریغ و بی توقع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی، هرگز مواضع اندیشه ای خود را مخفی نکرده، هرگز مهوری مهوری سیاسی خود را در پرده نگذاشته، هرگز درباره کسانی که آنها را دوست یا دشمن انقلاب می شمرده، راه سکوت پیرده پوشی را نبیوده هرگز انتقادات خود را فرو نخروده و از بی اندیشه های روش اصولی و انقلابی خود نهرا سیده و از و نیاز را بر نشیوه کار خود مسلط نساخته است.

این بدون شک جدی ترین و اخلاقی ترین و صریح ترین و پاکیزه ترین روشی است که ما می توانیم در میان روشهای متداول در جامعه ما نشان دهیم. تهمت زدنندگان کف بر لب، که وقتی نیوست دسنام گوئی و اتهام زنی به حزب ما می رسد، از خود بیخود می شوند، حفاقد زرفای ضمیر خود این نکته را تصدیق دارند. ولی که گفتند که ماکیاولیسم به آنها اجازه راستگوئی نمی دهد. اعتراف به فضایل مخالفان خود، شهادت می خواهد و این شهادت در این افراد نیست.

بحث درباره کتاب "برنس" (۱۵۱۳ میلادی) اثر نیکولو ماکیاولی، که در ایتالیای سده شانزدهم برای راهنمائی شاهزگان خانواده مدیچی و هموار ساختن جاده وحدت ایتالیا نوشته شده، در صلاحیت یک مقاله کوچک روزنامه نیست و همچنین مبحث فلسفی "رابطه وسایل با هدفها"، "رابطه سیاست با اخلاق"، مبحث بزرگی است و احتمال می رود که مابرای روشن ساختن اساس علمی این مباحث، در این باره، در صورت وجود امکان و فرصت در نشریه "دنیای اندیشه"، ضمیمه تئوریک نامه "مردم"، به موقع خود سخن گویم، تا زوایای مطالب نه بر اساس سخنوریهای غرض آلود، بلکه بر اساس بررسی منطقی و تاریخی روشن شود.

ولی به شکل کلی و خلاصه میتوان گفت که، ماکیاولی، در راه نیل به اتحاد ایتالیا، اجراء "سیاست بزرگ" را برپایه بکار بردن روشهای ضد اخلاقی مانند دروغ، ریا، فسقه، فریب، قساوت و غیره روا شمرده. در واقع نیز کارترین دودمیسی در مقام ملکه فرانسه، به مثابه شاگرد خوب ماکیاولی، طی زمانی طولانی این سیاست را عملی ساخت، که یکی از "جملههای" آن، کنسار قساوت امیز برتستانهای فرانسه در واقع "سن بارتمی"، یا ازدواج مصلحتی خانواده کاتولیک سلطنتی والوا با خانواده برتستان بوربون است، که به سلطنت هانری چهارم از این خانواده جلب او به کیش کاتولیک منجر شد.

سازمان کاتولیک ژوئیتها (آباء یسوعی) نیز روش ماکیاولی را اخذ کرد و شعار معروف "هدف ها توجیه کننده" وسایلند را به میان آورد و برپایه این شعار، "انگیزیسون" یا تقویت عقاید را بنیاد نهاد و هزاران تن از مخالفان یاب را در آتش سوزاند و رسم "اوتودافه" و سوختن کتب ضاله را مجاز ساخت و دانست، و عملا هم نتوانست قدرت منززل پاپ را با این شیوههای سیطانی نجات دهد.

نکته اینجاست که سیاستمداران جهان سرمایه داری از "حقوق بشر"، "آزادی و دموکراسی"، "انسان گرایی"، "برابری و برادری"، "صلح دوستی" و غیره کم دم زده اند و دم نمی زنند، ولی عمل آنها بکلی متضاد سخنان آنهاست. بین "لب ها و

برخی از تجربه های موزامبیک در مبارزه با بیسوادی

البته هفت هزار دسبان موزامبیک هموزبا دشواریهای فراوان در زمینه آموزش، کتابهای درسی، وسایل آموزش و مکان مواجه هستند. در برخی از روستاهای دور افتاده کلاس درس زیر سایه درخت تشکیل میشود. اما مقامات موزامبیک خوش بینند، که بزودی برای این مشکلات حیره خواهند گشت. در دبیرستانهای موزامبیک بیش از ۱۲۵ هزار نفر درس سخنوانند. کلاسهای درس اغلب در چند نوبه تشکیل می شود و تانیمه شب ادامه می یابد. آموزش سیاسی یکی از عمده ترین مواد درسی دبیرستانهاست.

فزون بر این، دهها هزار موزامبیک در دوره های شبانه و کلاسهای که در جنب کارخانه ها برگزار میشود، خود را برای امتحانات سال چهارم ابتدایی آماده می سازند.

در پیوند با گسترش شبکه دبیرستانها، وظائف ویژه ای به عهده دانشگاه "ادوارد موندلین" در ماپوتو واگذار شده است. در این دانشگاه، در پنج سال آینده، در درجه نخست دبیران دبیرستان تربیت خواهند شد. امسال ۲۳۰ موزامبیک تحصیلات دانشگاهی خود را در این دانشگاه آغاز کرده اند.

از سوی دیگر، اکنون دوهزار دانشجو در دانشگاه ماپوتو به تحصیل مشغولند. بسیاری از آنها در سال های آینده خود در دانشگاه بتدریس خواهند پرداخت. برخی از دانشجویان، که از استعداد خاص برخوردارند، پس از پایان سال دوم دانشگاه بکمک استادان خود، برخی از وظائف آموزشی او را بعهده می گیرند.

موزامبیک در مبارزه با بیسوادی و توسعه شبکه آموزشی از کمکهای بیدریخ کشورهای سوسیالیستی بهره مند میشود. اکنون ۴۰ درصد کادرا آموزشی دانشگاه "ادوارد موندلین" را کارشناسان کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای دوست تشکیل میدهند.

جدی نیست، همنمین بلوم کسه، مرکزی "حزب فرلیمو" به بررسی تدابیری برای بالا بردن سطح دانش سیاسی و تخصصی اعضای حزب پرداخت. برزیدست ساموراسنل، در سخنرانی خود در بلنوم، موزامبیک یکی از فوری ترین و سبم ترین وظائف دولت آن کشور است و گفت که بیسوادی، فقر فرهنگی و کمبود معلومات علمی سدهای بزرگی است، "که مردم مارا از ثروت سرزمین ما جدا می سازد".

براستی هم این کشور آفریقای شرقی با مساحت ۸۰۱۵۹۰ کیلومتر مربع خود، از منابع عظیم طبیعی برخوردار است. سطح بیسوادی استفاده از این ثروت بگران بسود خلق موزامبیک است که، هر چه رود تر بیسوادی، این میراث عوم استعمار، برکنده شود. پنج سال پیش، هنگامی که "فرلیمو"، پس از سالها پیگار مذاکرات، زمام امور را بدست گرفت، بیش از ۹۵ درصد موزامبیک از خواندن و نوشتن ناتوان بودند. اینک بیش از ۱۰ درصد از ۱۲ میلیون موزامبیک سواد آموخته اند و ۱/۵ میلیون دختر و سر به مدرسه می روند. اگر در نظر بگیریم که سه چهارم موزامبیک ها در روستاها و اغلب در سراط اقتصاد خودکفائی زندگی می کنند و سکه موزامبیک از چهل گروه نرادی و زبانی مختلف تشکیل می شود، باید ادعا داشته باشیم که، مردم موزامبیک در این زمینه به دستاوردهائی درخشان نیل نر دیده اند.

"فرلیمو" از آغاز حکومت خود، بیوسته توجه خاص به آموزش همگانی مبذول داشته و سالیانه به کادرو بودجه لازم برای بسپرد این امر افزوده است در اسفندماه سال پیش، ۵۲۲ هزار موزامبیک در استانهای دهگانه آن کور برای نخستین بار به فرا موختن الفبا پرداختند. ملمان آنها ۱۶۱۷ جوان بودند، که پس از اتمام دبستان، در دوره ای یکساله برای سواد آموزی تعلیم ویژه دیده بودند.

مرگ بر امپریالیسم جهانخواز آمریکا دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

چین سیاست مائوئیستی نزدیکی به غرب و آمریکا و علیه کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزادیبخش ملی را ادامه میدهد

هواکوفنگ، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، اعلام کرد که از سمت نخست وزیر کشور، که وی از بهار سال ۱۹۷۶ عهده دار آن بوده، کناره گیری کرده است.

وی در سخنرانی خود در کنفره ملی خلق چین گفت که کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، زیانک، نایب نخست وزیر، را به سمت نخست وزیر منصوب کرده است.

هوا همچنین اعلام کرد که کمیته مرکزی حزب کمونیست چین به این اجلاس توصیه کرده است که مسئله استعفا ی معاون نخست وزیر، از جمله دنگ سیائوپینگ را مورد بررسی قرار دهد.

هواکوفنگ در سخنرانی خود به شکست جهت های عمده برنامه عمرانی دهساله توسعه اقتصادی چین، که در سال ۱۹۷۸ تنظیم شده بود، اشاره کرد. هواکوفنگ گفت که رهبری چین تجدیدنظر در طرح ناموفق را "بی معنی" میدانند و قصد دارد "برنامه جدیدی" تنظیم کند، که دوران ۱۹۹۰-۱۹۸۱ را دربر گیرد.

صدر حزب کمونیست چین گفت که در دوران سی ساله موجودیت جمهوری خلق چین، تنها یک برنامه عمرانی، یعنی اولین برنامه پنج ساله بدرستی تنظیم و اجرا شد و اضافه کرد:

"از سال ۱۹۶۶ تا امروز طرح های عمرانی عملا وجود نداشت و آنچه وجود داشت تنها نفوس کلی بود." هواکوفنگ قصد رهبری چین را برای حفظ مسیر مائوئیستی در سیاست خارجی مورد تاکید قرار داد.

از سوی دیگر، علیرغم تغییرات در کادر رهبری چین، گفته میشود که مبارزه قدرت در چین همچنان ادامه دارد. مبارزه میان دار و دسته دنگ سیائوپینگ، و طرفداران به اصطلاح انقلاب فرهنگی است که ظاهرا هواکوفنگ نیز از جمله آنها است.

دو گروه، علیرغم اختلافات بسیار گسترده در سیاست داخلی و خارجی، در مورد ادامه سیاست های مائوئیستی نزدیکی به غرب و آمریکا و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای بیخشن ملی توافق دارند.

سیاست داخلی و خارجی، در مورد ادامه سیاست های مائوئیستی نزدیکی به غرب و آمریکا و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای بیخشن ملی توافق دارند.

سیاست داخلی و خارجی، در مورد ادامه سیاست های مائوئیستی نزدیکی به غرب و آمریکا و دشمنی با کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای بیخشن ملی توافق دارند.

آمریکا از دستگاههای اطلاعاتی چین علیه شوروی استفاده می کند

ولیم پری، مقام برجسته پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) که در راس یک هیئت برجسته نظامی به چین رفته است، گفت که در انتظار نتایج مشخصی از این سفر است.

ولیم پری پیش از عزیمت به چین اعلام کرده بود که، قرار است درباره همکاری های نزدیک با چین در زمینه های مختلف مذاکره کند. پری در این سفر از تاسیسات مختلف نظامی چین دیدن می کند.

گفته میشود که پری در جریان اقامت در چین، درباره ایجاد دو ایستگاه "اطلاعاتی" آمریکا در چین با رهبران این کشور به توافق خواهد رسید. این دو ایستگاه ظاهرا ماهواره را ردیابی خواهد کرد. اما پاره ای روزنامه ها از جمله هفته نامه "نیویورک" چاپ شده، فاش کرده اند که، از ایستگاههای اطلاعاتی در چین، برای بدست آوردن اطلاعات از شوروی رهند استفاده خواهد شد.

فزون بر این، دهها هزار موزامبیک در دوره های شبانه و کلاسهای که در جنب کارخانه ها برگزار میشود، خود را برای امتحانات سال چهارم ابتدایی آماده می سازند.

در پیوند با گسترش شبکه دبیرستانها، وظائف ویژه ای به عهده دانشگاه "ادوارد موندلین" در ماپوتو واگذار شده است. در این دانشگاه، در پنج سال آینده، در درجه نخست دبیران دبیرستان تربیت خواهند شد. امسال ۲۳۰ موزامبیک تحصیلات دانشگاهی خود را در این دانشگاه آغاز کرده اند.

از سوی دیگر، اکنون دوهزار دانشجو در دانشگاه ماپوتو به تحصیل مشغولند. بسیاری از آنها در سال های آینده خود در دانشگاه بتدریس خواهند پرداخت. برخی از دانشجویان، که از استعداد خاص برخوردارند، پس از پایان سال دوم دانشگاه بکمک استادان خود، برخی از وظائف آموزشی او را بعهده می گیرند.

موزامبیک در مبارزه با بیسوادی و توسعه شبکه آموزشی از کمکهای بیدریخ کشورهای سوسیالیستی بهره مند میشود. اکنون ۴۰ درصد کادرا آموزشی دانشگاه "ادوارد موندلین" را کارشناسان کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهای دوست تشکیل میدهند.

در سالهای ۵۷-۱۳۲۹ شماره سالانه فارغ التحصیلان دانشگاهها از ۴۳۰۰ به ۲۷۶۰۰ و تعداد دبلمه های مدارس تخصصی از ۹۵۰۰ به ۴۶۳۰۰ افزایش پیدا کرد. در حالیکه در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ از هر ده هزار شهروند، ۳۵ تن لیسانس بودند، دوسال پیش این رقم به ۹۹ رسید.



اقدامات خرابکارانه «سیا» و «موساد» در هند

به عقیده محافل اجتماعی هند، بیش از پیش ثابت می شود که اقدام های خرابکارانه، که هدف آن بی ثبات کردن اوضاع سیاسی داخلی هند است، شخصا از سوی برزیسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، مورد تصویب قرار گرفته است.

هفته نامه هندی "نیویورک" اعلام کرد که برزیسکی در جریان سفر اخیر خود به پاکستان، این طرح را با رهبران سازمان مسلمان نمای "جماعت اسلامی" پاکستان، سازمانی که طرفدار سینه چاک اسلام آمریکائی است، مورد بحث قرارداد و آن سازمان نیز با نمایندگان شعبه هندی خود تماس گرفته است.

در طرح، که ارتجاع بین المللی در آن نقش عمده دارد، پیش بینی شده است که برای ایجاد آشوب در هند، اقدام های عملی چندی صورت گیرد. دشمنان هند برای ایجاد درگیری های مسلحانه در هند، تلاش دارند که از هرگونه اقدام مسالمت آمیز توده های زحمتکش هند سوء استفاده کنند.

"نیویورک" نوشته است که به موجب پیش بینی طراحان توطئه، ایجاد درگیری به اصطلاح "مردان ضربه ای" گروه مسلمان نمای "جماعت اسلامی" و یک سازمان ارتجاعی هند، بنام "راشتریا سوایام سوک سنگ" محول شده است. این دوسازمان توجه خود را به انتخاب "کاندیداهای" برای پمبه گرفتن نقش "مردان ضربه ای" و گسیل قسمتی از این افراد به خارج اختصاص داده اند.

"نیویورک" به اشاره به اسناد فاش می کند که سازمان "جماعت اسلامی" افراد خود را به مدارس ویژه ای که در پایگاههای نظامی انگلیس در ناحیه خلیج فارس ایجاد شده، گسیل می دهد. این افراد زیر نقاب کارگر غیره به این مناطق فرستاده می شوند.

سازمان ارتجاعی هندو نیز "مردان ضربه ای" خود را با کمک سازمان جاسوسی "موساد" اسرائیل تربیت می کند و این افراد از طریق لندن به اسرائیل فرستاده می شوند.

هزاران زندانی سیاسی در زندانهای آمریکا بسر می برند

بنجامین جویس، کشیش آمریکائی، اعلام کرد که در آمریکا هزاران زندانی سیاسی در زندان ها بسر می برند، وی در مساجه با مطبوعات شوروی اضافه کرد: "بسیاری از این زندانیان تحت شکنجه های قرار می گیرند که برای مغز خطرناک است."

جویس، که خود مدت ها بعنوان زندانی سیاسی در زندان بوده است، گفت: "کنفرانس ما در مورد همکاری و تسخیر زندانی در اروپا، باید به این مسئله رسیدگی کند."

پیروزی اتیوپی در مبارزه با بیسوادی

دولت انقلابی اتیوپی و خلق این کشور در زمینه های مختلف، از جمله در زمینه مبارزه با بیسوادی و جهل پیروزی های بزرگی بدست می آورند.

منکیستو هایلهماریام، رهبر اتیوپی، اعلام کرد که "یونسکو" جایزه مبارزه با بیسوادی در سال ۱۹۸۰ را به اتیوپی اختصاص داده و این کشور را برنده اعلام کرده است.

"یونسکو" اعلام کرده است که ظرف کمتر از دو سال، پنج میلیون و چهارصد و سی و چهار هزار و سی و سه نفر در اتیوپی خواندن و نوشتن را فرا گرفته اند.

در جهان سوسیالیسم

نود و هشت درصد اسپانیایی ها تاکنون حتی یکبار در کتابخانه نبوده اند

اسپانیا، زادگاه نویسندگان، شاعران و ادبای بزرگ، راکورد فرهنگی تهدید می کند، همانکه رئیس "اتحادیه" کتابفروشان اسپانیا "جندی بیسن یاد آور گشت که در جهل وینج درصد خانه های اسپانیا حتی یک کتاب پیدا نمی شود.

بررسی دیگری نشان میدهد که، ۹۸ درصد اسپانیایی ها تاکنون حتی یکبار در کتابخانه نبوده اند. روزنامه "یا" خاطر نشان ساخته است که، در مجموع کتابخانه های اسپانیا تنها ۱۸۱ کتابدار آموزش دیده کار می کنند. قوانین اسپانیا تا به امروز کتاب داری را بعنوان حرفه برسمیت نمی شناسند.

در شهر سه میلیون مارید، برای ۶۰ هزار کودک تنها سیزده کتابخانه عمومی وجود دارد. آلیسیا دینا، مدیر یکی از کتابخانه های مادرید، کمبود وسایل مالی را سبب این فلاکت فرهنگی می بیند. روزنامه "ال پایس" گله دارد که، مقامات فرهنگی نمی گویند تا کودکان را به خواندن تشویق کنند.

در جهان سوسیالیسم

رفاه روزافزون مردم مجارستان

در سالهای پیش، شماره وسایل خانگی با دوام در مجارستان بس افزایش یافته است. برای نمونه در سال ۱۳۲۹، از هر هزار خانوار، تنها چهار خانوار دارای یخچال بود، این رقم در سال ۱۳۵۷ به ۲۶۶ ازدیاد پیدا کرد. در همین مدت، شماره ماشین های رختشوی از ۴۵ به ۲۸۵، تلویزیون از ۱۰ به ۲۴۶ و ماشین شخصی از ۲ به ۷۸ رسید.

دولت مجارستان هر ساله بودجه بزرگی، آموزشی، فرهنگی و ورزشی خود را بالا می برد. از این رو، شماره تخت خوابهای بیمارستان ها از ۴۹۲۰۰ در سال ۱۳۲۹ به ۸۷۴۰۰ در سال ۱۳۵۷ ترقی یافت. در همین سالها، شماره پزشکان مجارستان از ۹۶۰۰ به ۲۸۴۰۰ رسید.

در سالهای ۵۷-۱۳۲۹ شماره سالانه فارغ التحصیلان دانشگاهها از ۴۳۰۰ به ۲۷۶۰۰ و تعداد دبلمه های مدارس تخصصی از ۹۵۰۰ به ۴۶۳۰۰ افزایش پیدا کرد. در حالیکه در سال تحصیلی ۳۰-۱۳۲۹ از هر ده هزار شهروند، ۳۵ تن لیسانس بودند، دوسال پیش این رقم به ۹۹ رسید.

مایروان خطبر ژینسکی را، بهر لباس که در آیند، افشا خواهیم کرد

انقلاب در صدد تدارک کودتا علیه آن بوده است، وحشت دارند!

ممكن است گردانندگان «میزان» بگویند که ما از این خبر وحشت نداریم و علت عدم انتشار آن نیز تکذیب خبر بوده است. (آیا همه اخبار «میزان» درست است؟!)

بسیار خوب، ولی چرا گردانندگان میزان خبر تکذیب اظهارات سالیوان را از جانب کاخ سفید و در حقیقت از جانب برژینسکی با آب و تاب در فردای آرزو منتشر ساختند؟

آیا از نظر گردانندگان «میزان»، خبر توطئه گری های برژینسکی بی ارزش و تکذیب آن با ارزش است؟! آیا افشای نقش واقعی برژینسکی در مورد انقلاب ایران، وظیفه ای برای یک نشریه مدعی مدافعه از انقلاب ایجاب نمی کند، ولی تکذیب این واقعیت، آنرا موظف میسازد؟

چرا «میزان» نقش مدافع برژینسکی را بر عهده گرفته است؟ دلیل این امر را گذشته از خط مشی واقعی «میزان»، که همانا از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران و زیر ضربه قراردادن اتحاد شوروی و دیگر دوستان، پشتیبانان و متحدان انقلاب، یا به بیان دیگر اجرای رهنمودهای برژینسکی باشد، باید در گذشته، یعنی زمانی که گردانندگان اصلی «میزان» با برژینسکی به مذاکره نشستند، جستجو کرد. مذاکراتی که منسوخ آن افشا نشده، ولی به سقوط دولت موقت انجامید، مذاکراتی که هنوز هم مردم ایران در انتظار افشای مضمون آن هستند.

بسیار نیست که این خبر تا بدین اندازه به مذاق «میزان» بد می آید و برعکس تکذیب آن از طرف سخنگوی برژینسکی، آنهم با این عبارت «محکوم کننده»؛ «چنانکه برژینسکی میگوید با در چنین جریان پیشقدم نبوده و به دیگران هم دستوراتی راجع به امکان وقوع یک کودتای نظامی نداده است»، او را تا بدین اندازه، بوجد می آورد.

بسیار نیست که گردانندگان «میزان»، سخنرانی حجت الاسلام خامنه ای را در روز ۱۷ شهریور، که بر خطر اصلی و واقعی امپریالیسم آمریکا، وابستگی پیوستگانش، تاکید داشت، تمام و کمال منتشر میسازند و تکذیب برژینسکی را تمام و کمال منتشر میسازند.

ما باین خط مشی و این طرز فکر، که برای انقلاب ما مهلک است، سرسازش نداریم و با تمام قوا در افشای آن خواهیم کوشید. گردانندگان «میزان» نیز باید بدانند که این خط مشی در دوران دولت موقت، عملکرد ضدانقلابی و زیانبار خود را بر مردم انقلابی ایران آشکار ساخته است و پیروان آن، علیرغم آنکه چهره و هدف واقعی خود را در زیر دعای مومنانیهای چون پیروی از سیاست «نه شرقی، نه غربی» ببینانند و سهر دشنام و تهمت و دروغ علیه حزب توده ایران بر سر بکشند، نتوانند توانست نقش شیطان خود را در انقلاب ایران پنهان سازند و نخواهند توانست خود و الهام دهندگان خود را در زیر ضربه خشم مردم ایران برهانند.

اما در مورد نقاب عوامفریبانه ویژه ای که «میزان» بر چهره خویش کشیده است و مقاصد واقعی و شیطان خود را اینجا و آنجا، در زیر لعاب شخصیتی از آیات قرآن و دعای مسلمانان، پنهان ساخته است، پاسخ امام خمینی خود کلام آخر است:

«بگذارید این تفاله های تاریخ به اسم اسلام، بر ضد اسلام قیام کنند و به اسم قرآن کریم به قرآن خیانت کنند. این تلاشی ندارد».

(از پیام امام خمینی بمناسبت سالگرد ۱۷ شهریور)

آیا این تحلیل بسبب برژینسکی نیست؟ این تحلیل در واقع میگوید:

امریکا کدی ندارد، او در وابستگی روبه تزیاید به بازارهای خارجی و مواد اولیه است. او به نفت برای رنده شدنن احتیاج فراوان دارد، اما شوروی تجاوز میکند، شوروی فوای خود را کسترش میدهد، در شوروی جهان سوم فتنه و آشفتگی تولید می کند، می خواهند نفت را به روی آمریکا قطع کنند، می خواهند مواد خام را از او بگیرند و... پس باید آماده دفاع شد!

بنابراین از نظر تشریح برژینسکی لوموند: «میزان»، که با این «تحلیل» موافق است، امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم آمریکا نیست، او کشوری است بی آزار، که فقط مایل به برقراری روابط با کشورهای جهان است و میخواهد که نفت و مواد خام را به روی او بیاورند. او غارتگر نیست، چنانچه پیشه نیست، سیاست آنرا، انحصارات امپریالیستی، که خود را مالک دنیا و مردم آن می دانند، تعیین نمی کنند، اگر او نیروی واکنش سریع بدید می آورد، اگر به ایران تجاوز نظامی کرده است و خود را برای تجاوزات آینده نیز آماده می کند، بدلیل آنستکه «شوروی تجاوزگر و توسعه طلب است» و «فتنه ها و آشفتگی ها را در کشورهای چون ایران» دامن میزند...

چنانچه بدانی که در پایان این تحلیل امپریالیستی، برژینسکی، طراح اصلی توطئه و تجاوز و چنانچه علیه مردم بیخاسته است «مدافع صلح، عدم تجاوز و...» وانمود می شود:

برژینسکی میگوید:

«کوشش برای متوقف ساختن چیزی که نمی توان آنرا متوقف کرد و کوشش برای ایجاد مانع در مقابل تحولات غیرقابل اجتناب سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، آمریکا را محکوم به انزوا و ضعف سیاسی خواهد نمود؛ براساسی که دفاع از سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا و دفاع از طراح آن، برژینسکی، و بعد نام «تحلیل سیاست تجاوزگران آمریکا» بر این دفاع نهادن، به چیزی بیش از «تبحر» احتیاج دارد.

برژینسکی توطئه میکند

«میزان»، تکذیب میکند! روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۵۹، ویلیام سالیوان آخرین سفیر و سرکرده جاسوسان آمریکا در ایران، طی مقاله ای در مجله آمریکایی «سیاست خارجی»، اعلام کرد که برژینسکی مشاور رئیس جمهور آمریکا در مسائل امنیتی، نقش عمده را در مداخله آمریکا علیه ایران ایفا می کرده است. وی افشا کرد که برژینسکی نقشه های سرکوب انقلاب ایران را از طریق زور تنظیم می کرده و اندکی پیش از سقوط شاه، طی تماسی تلفنی، به او پیشنهاد کرده است که زمینه ای برای کودتا فراهم سازد.

این خبر که روی تلکسی خبرگزاری های امپریالیستی نیز قرار گرفته بود، تنها در «میزان» انعکاس نیافت. «میزان»، که در انعکاس نام و تمام تبلیغات نشریات انحصارات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و دیگر متحدان و دوستان انقلاب ایران، جهد وافر نشان میدهد و در سه شماره نخست خود تبلیغات آشپک و پاری هاچ، لیوزویک و لوموند را در همین زمینه بخورد خوانندگان خود داده است، در مقابل این خبر مبر سکوت بر لب میزند و «استادانه» و با «تردستی» آنرا به زباله دان می اندازد و خود را ظاهرا از عذاب می رها کند.

چرا «میزان» از انتشار این خبر امتناع کرده است؟ چرا گردانندگان «میزان» از اعلام این حقیقت عیان (که اکنون بار دیگر از زبان یکی از گردانندگان سیاست دولت آمریکا، یعنی سالیوان تأیید میشود) که برژینسکی طراح اصلی توطئه های سرکوبگرانه و تجاوزگرانه علیه انقلاب ایران بوده و از همان ابتدای

کند، سخن بر سر آست که اتفاقا ریزش های «میزان» در مورد ۱۷ شهریور تنها «شرح جنایات آمریکا» نیست، بلکه تلاشی «ویرگانه» برای خارج ساختن آمریکا از زیر ضربه و تیره ساختن آن است، تلاشی است برای پنهان داشتن دست خوین امپریالیسم آمریکا در این جنایت عظیم از مردم ایران. در سراسر ریزش از چند صفحه ای «میزان» در مورد کشتار ۱۷ شهریور، حتی نامی از آمریکا نیست!

تعجب نکنید، تحقیق کنید! ریزش ها چنان تهیه شده است که گوئی این امپریالیسم آمریکا و رسولان وی نبودند که دستور کشتار مردم را صادر کردند. گوئی شامو جلادانش بنا به تصمیم خود این قتل عام را به مرحله اجرا گذاشتند. در تمام ریزش از این واقعیت عیان پنهان شده است که درست پیش از قتل عام مردم در ۱۷ شهریور، اردشیر زاهدی یعنی سفیر برژینسکی در ایران، تصمیم آمریکا را در قتل عام مردم به شاه و جلادانش ابلاغ کرده بود.

گردانندگان «میزان» در پی این ریزش ها مفصل، که تلاشی برای «پراخت» برژینسکی و دولت چنانچه از آمریکا است، گزارشی نیز از «بازتاب جمعه خوین در مطبوعات خارجی...» منتشر ساخته اند. که در آن نظر اکو نویست، لوموند، گاردین، نیوزویک، یعنی نشریات ارکان انحصارات امپریالیستی را در مورد کشتار ۱۷ شهریور، نقل کرده اند، و همانگونه که طبیعی است، در این «گزارش» نیز کلمه ای از آمریکا و نقش اصلی آن در این جنایت عظیم نیست و نمی تواند باشد.

باید اعتراف کرد که چنین برخوردی به «تبحر» خاص نیاز دارد. تبحر برای تنظیم ریزش از ۴ صفحه راجع به ۱۷ شهریور، بدون آنکه حتی نامی از آمریکا به میان رود و تبحر برای اطلاق «شرح جنایات آمریکا» به چنین گزارشی، و این تبحر بنظر ما تنها از یک پیرو خط برژینسکی، خط بیرون کشیدن امپریالیسم آمریکا از زیر ضربه و در مقابل زیر ضربه قراردادن دوستان انقلاب ایران بر می خیزد.

تحلیل تجاوزات یا توجیه تجاوزات!

«میزان» گفته است که اگر نامه «مردم» عجله نمی کرد و اندکی صبر بخرج میداد، میدید که در شماره دوم، «یک صفحه کامل به تحلیل سیاست متجاوزگران آمریکا اختصاص داده شده است».

برای جبران این «ارزیابی شتابزده» از نشریه ضد امپریالیستی که «بناخواه» پیرو خط برژینسکی وانمود شده است، سراغ تحلیل مورد بحث رفتیم. مقاله، همانگونه که «میزان» گفته بود، یک صفحه بود، راجع به «تجاوز» نیز بود، اما متأسفانه به «توجیه تجاوزات آمریکا اختصاص داشت نه به تحلیل» آن! «میزان» از خط خود خارج نشده بود!

مقاله «استراتژی مداخله در جهان سوم»، که از نشریه لوموند ناشر نظریات سرمایه داری انحصاری فرانسه نقل شده است، اعلام می کند که: «منافع حیاتی آمریکا» مورد تهدید است، و این تهدید از طرفی از جانب «تجاوزات شوروی» است و از طرف دیگر از جانب «گسترش فتنه های کنترل نشده که در کشورهای جهان سوم روی میدهد»، سرچشمه می گیرد، و این آشفتگیها نیز توسط شوروی، که میگوید «با استفاده از این موارد اختلاف و تفرقه، بر بی ثباتی جهان» بیفزاید، دامن زده میشود!

نشریه ارکان انحصارات امپریالیستی میگوید، آمریکا «در وابستگی روبه تزیاید... به بازارهای خارجی و مواد اولیه» است و «قطع نفت در سطح وسیع که از خارج فراهم میگردد، میتواند برای آمریکا با اندازه یک شکست در نبرد و یا در جنگ عواقب وخیم داشته باشد» و بنابراین... باید «برای دفاع از این منافع آماده» باشد!

گردانندگان «میزان»، در پی موضعگیری نامه «مردم» در مورد این روزنامه، طی مقاله ای مشحون از دشنام و اتهام، تلاشی ورزیده اند که به اظهارات نامه «مردم» در مورد تسلط خط سازش با امپریالیسم آمریکا و خارج ساختن آن از زیر ضربه خشم مردم انقلابی ایران، بر این روزنامه، «پاسخ» دهند.

انتشار دو شماره دیگر از این روزنامه و «پاسخ» مورد بحث، این امکان را فراهم ساخت که ما با ادله و شواهد فزونی نظر خویش را در مورد تسلط خط برژینسکی بر این روزنامه، ثابت کنیم و محتوی ضدانقلابی و خطرناکی را که در زیر پوشش آیات قرآن و مسلمان نمائی در این روزنامه عرضه میشود، آشکار سازیم.

از دشنامها و اتهامها می گذریم، زیرا پاسخ به آنها در زمان خود نمی دانیم، باین تذکر که اولاً گردانندگان «میزان» در این مورد هیچوجه ابتکار تازه ای بخرج ندادند، که نسبت به اتهامات و دشنامهای ۴۰ ساله شاه سابق و ساراک علیه حزب توده ایران رجوع کند. و ثانیاً ما را سرخصومت با کسی نیست (هرچند مغرض و بی پرستی هم باشد). اگر ما خود را موظف دیدیم که از همان نخستین شماره «میزان»، نظر خود را در مورد این روزنامه (که به مذاق گردانندگان آن خوش نیامده است) بیان کنیم. بدان دلیل بود که ما نظریات مندرج در این روزنامه را در خط انقلاب ایران و بسود انقلاب ایران نمیدانستیم (نمیدانیم) و از آنجا که مردم ما در ازای عملکرد ضدانقلابی این نظریات در دوره حاکمیت دولت موقت، بهای بسیار گزاف پرداخته اند، خود را موظف دیدیم تا با افشای این خط، همگان را به این خطر سیل، که در زیر لوی دیکری چهره پنهان کرده است، آگاه سازیم و لاغیر.

آیا «میزان» ضد امپریالیست است؟

از «پاسخ» ساگر آنرا از اتهامات و دشنامها بابت کنید تقریباً چیزی باقی نمی ماند. «پاسخ» فقط ادعاهای بی پشتوانه و سستی است که با لباس دشنام و اتهام بدان چهره «پاسخ» داده اند.

نامه «مردم» نوشته بود:

«آنچه که درست در «میزان» فراهوش شده است، خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه های خطرناک آن است و بالعکس آنچه... «خطرناک» وانمود شده است، دوستان انقلاب ایران و متحدین آنست!»

«در «میزان» از خطر امپریالیسم آمریکا و توطئه های خطرناک آن اصلا سخنی نیست».

«میزان» با کتمان کردن خطر امپریالیسم آمریکا و سکوت در مقابل آن و نیز با انتشار تبلیغات امپریالیستی علیه اتحاد شوروی و سوسیالیسم، تلاش دارد که افکار مردم ایران را منحرف کند و دشمن اصلی را از زیر ضربه خارج سازد و در نتیجه به زبان مصالح انقلاب عمل می کند».

(نامه «مردم»، شماره ۳۲۸)

و «میزان»، «پاسخ» میدهد: «روزنامه مردم از این برآشفته است که چرا ما بر علیه شوروی مقاله ای ترجمه کرده ایم، ولی بر علیه آمریکا سخنی نگفته ایم. این نشریه اولاً توجه نداشته که تمام ریزش های مربوط به ۱۷ شهریور شرح جنایات آمریکاست و با زتاب جمعه خوین نیز سخن از جنایات شاه و حامیان غربی اوست. ثانیاً... اگر لاقال بگوروز صبر میکرد، میدید که در شماره دوم «میزان» و در همان صفحه سیاسی یک صفحه کامل به تحلیل سیاست متجاوزگران آمریکا اختصاص داده شده است».

البته سخن بر سر آن نیست که «میزان» در مورد ۱۷ شهریور چیزی ننوشته است. خیرا حتی اگر لانه جاسوسی آمریکا نیز تسخیر شده بود و این مرکز توطئه و جاسوسی علیه انقلاب ایران می توانست روزنامه انتشار دهد، نمی توانست در مورد ۱۷ شهریور سکوت

کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی را عامل مهمی برای استحکام مبانی استقلال ملی و تقویت مبارزه ضد امپریالیستی خلقها و کشورهای مستقل ملی میدانند.

دولت هند از نخستین روزیروز انقلاب شکوهمند ایران و انقلاب دمکراتیک خلق افغانستان، همواره ازین انقلاب پشتیبانی کرده و توطئه ها و نقشه های مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه را علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان و جمهوری اسلامی ایران محکوم نموده است.

در شرایطی که امپریالیسم آمریکا، با تشدید تدارکات جنگی، تقویت پایگاههای هوایی و دریایی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس، انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی در منطقه را مورد تهدید جدی قرار داده. گسترش روابط سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هند و دیگر دول مستقل ملی در منطقه و بویژه کشورهای عضو جبهه پایداری در برابر تجاوز اسرائیل، در استحکام مواضع بین المللی جمهوری اسلامی ایران و تقویت جبهه ضد امپریالیستی کشورهای این منطقه عامل موثر و مهمی بشمار می آید.

گسترش روابط و همکاری فنی و اقتصادی جمهوری اسلامی ایران با هند بسود انقلاب اسلامی و جمهوری ایران است

گسترش روابط و همکاریهای اقتصادی و فنی و معاملات بازرگانی بین جمهوری اسلامی ایران با هند، اقدام مثبت و مهمی است که میتواند در استحکام مواضع سیاسی دو کشور در منطقه و پایداری موفقیت آمیز جمهوری اسلامی ایران در برابر محاصره اقتصادی و توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیمهای دست نشانده آن در منطقه نقش موثری داشته باشد.

ما بارها روی این مسئله تاکید کرده ایم که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بایستی درست استحکام مواضع بین المللی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، در دست تقویت جبهه ضد امپریالیستی و تضعیف مواضع نیبایی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم آمریکا، چه در سطح منطقه و چه بمقیاس جهانی باشد.

دولت هند به برکت سیاست مستقل ملی خود و نقش فعالی که در جنبش کشورهای غیرمتحد ایفاء میکند، در عین حال که اعتبار و احترام بسزائی در

روز هیجدهم شهریور ۵۹ آقای وان کاتارامان، وزیر اقتصاد و دارائی هند، در راس هیئتی وارد تهران شد. این هیئت در مدت اقامت خود در تهران با مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد و گفتگوهای در زمینه همکاریهای اقتصادی و تبادل بازرگانی بعمل آورد. وزیر اقتصاد و دارائی هند در ملاقاتی که با آقای بنی صدر رئیس جمهوری اسلامی ایران داشت، پیام بانو ایندیرو گاندی نخست وزیر هند را به ایشان تسلیم کرد. در این ملاقات در زمینه گسترش روابط بازرگانی و اقتصادی دو کشور گفتگو و تبادل نظر بعمل آمد.

معان وزیر امور خارجه هند، آقای رام دی ساه، در گفتگو با خبرگزاری پارس، در مورد هدفهای دیدار هیئت نمایندگی هند از ایران اظهار داشت: «هدف عمده این دیدار ایجاد تقاضم بیشتر در روابط میان دو کشور است».

وی در مورد محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و نقش راکه هند میتواند در رفع آن داشته باشد، گفت: «ما برای درهم شکستن این محاصره کمکهای لازم را به ایران خواهیم کرد. روابط اقتصادی ما با ایران کاملاً عادی است و در مورد مبادلات کالا میان هند و ایران هیچگونه محدودیتی وجود ندارد».

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیگائی) ضرورت انقلاب ایران است

فقیه عالیقدر آیت‌الله منتظری

بقیه از صفحه ۱

آیت‌الله منتظری در یک مصاحبه رادیویی، که عصر پنجشنبه گذشته از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، ضمن برشمردن خطراتی که انقلاب ایران را تهدید می‌کند و شرح عواقب ففاق، از همه مسئولان و مردم خواست که اتحاد خود را حفظ کنند.

آیت‌الله منتظری از جمله گفت: «انقلابی که در ایران به پیروزی رسید، شما توجه دارید که مفت بدست ما نیامد، پیش از ۶۰-۷۰ هزار شهید ما دادیم، حدود ۱۰۰ هزار معلول داشت. این انقلاب، چقدر خسارت‌های مالی مردم کشیدند تا اینکه این انقلاب به پیروزی رسید، بنابراین انقلابی که با این قیمت بدست ما آمده است، ما باید همه چیز را فدای این انقلاب بکنیم. نه اینکه کاری بکنیم که به ضرر انقلابمان باشد.

انان کشور ما در شرایط حساسی قرار گرفته است... در خارج هر اندازه می‌تواند تبلیغات علیه انقلاب، علیه رهبر انقلاب می‌کنند، عوامل امپریالیست‌ها، صهیونیست‌ها، ایستادگاران در خارج تبلیغات می‌کنند، از اینطرف در حال جنگ هستند با ما. اقتصاد کشور ما فلج است. الان دانشگاه‌ها تعطیل است. الان احتیاج داریم به این که وضع مرتبی برای دانشگاه‌ها درست کنیم. کارخانه‌های ما بسیاری تعطیل است... و در یک همچنین وقتی که با این همه مشکلات اقتصادی، فرهنگی گرفتار هستیم، قاعدتاً اینست که تمام قوا و نیروها هماهنگ باشند.

آیت‌الله منتظری از سخنان خود نتیجه گرفت: «انان ما پیش از همه چیز احتیاج داریم به هماهنگی، به اتحاد».

امام مسئولان...

بقیه از صفحه ۱

اعصاب، خود این همان است که آمریکا می‌کرد و خلاصه می‌کنید. آنوقت آن طاغوت می‌کرد، حالا شما می‌کنید، شما هم طاغوت هستید و آنها هم طاغوتند، فرقی نمی‌کند... اگر بنا باشد که شما بجای اینکه اقتصاد مردم را درست کنید بجای اینکه این کشور را بررسی کنید، ببینید کجاهاست که مخروبه است و مردم از همه چیز ساقط هستند، بجای این اگر بخواهید بنشینید سرسند و با حرف و با فحاشی بهم مسائل را عملت از آن بکنید این همان است که قدرتهای بزرگ می‌خواهند تا این مملکت خرابه بماند و صدای مردم درآید. شما هم عمال آمریکائید منتها ملتفت نیستید، یک عاملی داریم که مستقیماً از سفارت آمریکا دستور می‌گیرد، یک عاملی داریم که برای او کار می‌کند و خودش نمی‌فهمد... اگر شما به مردم کار ندانسته باشید به مصالح مردم، به مصالح کشور کار ندانسته باشید، فقط مشغول این باشید که من جلو شما جلو، من جلورم، شما جلورید، مردم با من اند، مردم با شما اند، اگر فکر این باشید، این همان است که آمریکا می‌خواهد و شما از عمال آمریکا هستید و در عذاب با آنهاست که از عمال آمریکا بودند با توجه، مشترک هستید، با کم و زیادش، افسوس اینست که شما مشغول دعوا هستید و از مردم غافل، نه اقتصاد را توانستید درست کنید و نه امنیت را توانستید درست کنید و نه هیچ چیز هم‌اش با هم دعوا... این صحیح نیست... به همه آقایان من می‌گویم با هم جنگ نکنید».

توطئه آمریکا...

بقیه از صفحه ۱

ایران، قرارهای مفصل و دقیق گذاشته شد. بنا شد که برخی از افسران بلند مرتبه، همراه شاه، ایران را ترک کنند و بقیه نظامیان بگونه‌ای وفاداری خود را تغییر دهند، که تمامیت ارتش حفظ شود».

سالیوان سپس آشکار می‌سازد که، باند متنفذی از صقابه‌ها، با سرکردگی برژینسکی، هنوز حتی حاضر به تسلیم موقت و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت نبودند و می‌خواستند که همچنان از موضع قدرت عمل کنند و با ادامه کشتار مردم بیگناه، برای حفظ تاج و تخت نوکر سرسپرده خود تلاش ورزند.

سفر سابق واشنگتن در تهران سبب «تصادف» میان دو جناح «دکوتر»ها و «کبوتر»ها راه‌انگیزه کرد که در آستانه پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن، پیرامون مسائل ایران رخ داد و ظاهراً انگیزه مقاله خود او در نشریه «سیاست خارجی» نیز هست، در رویدادهای زیرین توصیف می‌کند:

«هنگامیکه نقشه‌های انتقال مسالمت‌آمیز اختیار ارتش تقریباً تکمیل شد و شاه تصمیم به عزیمت از ایران گرفت... باین فکر اقدام که لازمست چگونگی این انتقال قدرت به (امام) خمینی هم، که در آن هنگام در پاریس بسر میرد، فمانده شود، از ایترو پیشنهاد کردم، و اشتگتن یک فرستاده تام‌الاختیار به پاریس فرستاد، تا با (امام) خمینی مشورت کند... من درباره وی موضوع مستقیماً با سائروس و لیس، ژنرال امور خارجه، بوسیله تلفن مخصوصی گفتگو کردم و او این پیشنهاد را کاملاً پسندید. پس از آنکه رضایت شاه را نیز جلب کردم، سائروس و لیس بن اطلاع داد که البت، بازرسی کل وزارت خارجه، را که درجه سفارت گیری داشت و سابقاً سفیر کبیر آمریکا در افغانستان بود، به پاریس خواهد فرستاد».

ویلیام سالیوان سپس توضیح میدهد که، چگونه برژینسکی نقشه او، سائروس و لیس و دیگر «کبوتر»ها را عقیم ساخت: «در هفته اول ژانویه سال ۱۹۷۹ یک پیام فوری شبانه از واشنگتن دریافت کردم، که طی آن به من اطلاع داده شد، که ماموریت‌الایوت لغو شده و پرزیدنت کارتر دستور داده است تا این موضوع به آگاهی شاه نیز رسانده شود. پرزیدنت کارتر در آن زمان در مجمع الجزایر گوادولوپ بود و پس از شرکت در کنفرانس سران کشورهای غربی به استراحت و ماهیگیری پرداخته بود و تنها مقام دولتی که نزد وی باقی مانده بود، برژینسکی، مشاور امنیت داخلی ریاست جمهوری بود. من فوراً یک پاسخ شدیدالحن و پرشور برای وزیر امور خارجه به واشنگتن فرستادم و از او استدعا کردم، که در این تصمیم تجدیدنظر شود، زیرا به اعتقاد من لغو ماموریت الیوت اشتباهی جبران‌ناپذیر بود. پاسخی که دریافت داشتم، کوتاه و منفی بود».

سالیوان سپس توصیف می‌کند که، چگونه ژنرال هاپز، بظاهر به بهانه پیشگیری از «کودتای ارتشیان وفادار به شاه»، ولی در واقع بخاطر تدارک کودتایی بنفع بختیار خانی، مبره ذخیره آمریکا، به ایران آمد: «تا آنجا که من متحقق می‌توانم بگویم، روزیکه شاه ایران را ترک کرد، آمریکا فاقد هرگونه سیاست خارجی روشنی در امور ایران بود. ظاهراً برژینسکی نقشه‌های خاصی داشت. وی قبلاً ژنرال رابرت هاپز، معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا

امام جمعه تهران...

بقیه از صفحه ۱

نماز جمعه این هفته تهران بر مزار شهیدای گلگون کفن انقلاب، با شرکت هزاران نفر از مردم برگزار شد.

حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای، امام جمعه تهران، در خطبه اول نماز، به تجلیل از شخصیت مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی پرداخت و به نقش او در ایجاد وحدت بین مردم پرداخت.

امام جمعه تهران سپس مردم را به وحدت کلمه دعوت کرد و گفت:

«مردم ایران، شما ناراحت نشوید، شما مضطرب و مشوش نشوید، اختلاف اگر برسر درک مسائل و فهم مسائل میان مسئولان باشد، این چیزی نیست که مایه دل‌سردی و اضطراب شما شود».

امام جمعه تهران افزود: «مردم نباید اضطراب پیدا کنند. مردم نباید میدان را و صحنه را ترک کنند. مردم نباید بعنوان طرفداری از این و یا آن به دو دسته تقسیم بشوند. دشمن اینرا می‌خواهد، می‌داند دشمن‌های مختلف را و یا در تهران، بعنوان طرفداری از این شخص و یا آن شخص، مردم مقابل هم بايستند. لاین یک فاجعه است. این گناهناپذیر است. شما بدانید و مطمئن باشید، رهنموده‌هایی که امام امت به مردم داده است، اجازه نخواهد داد این اختلافات در ارگانهای مختلف کارشکنی بکنند».

امام جمعه تهران آنگاه از مردم خواست: «اتحادتان را حفظ کنید. همواره با هم باشید. از بگو و مگویی مسئولان دچار اضطراب و نیش خاطر نشوید».

حجت‌الاسلام خامنه‌ای در ادامه سخنان خود گفت: «ما همه می‌گوییم: مردم باید در سه «دند» مردم از صحنه بروند، نروند. این درست است. اما آیا با اختلاف بارز و واضح مسئولان با مردم کردن یکدیگر، بازم می‌شود از مردم انتظار داشت در صحنه بمانند».

امام جمعه تهران در خطبه دوم نماز از جمله چنین گفت: «مسأله غرب کشور یکی از خیرهای این هفته است. بعضی‌های مزدور عراق به شهرها و غیره نظامیان حمله کرده‌اند. دلاوران مسلمان ما، ارتشی و سپاهی پاسدار و نیروهای ژاندارمری مقابلاً حملات آنها را دفع کرده‌اند. مزدوران بعضی عراق بجای اینکه به دشمنان، به دشمن عالم اسلام، یعنی رژیم فاسق صهیونیستی بپردازند، نیروهای خود را کنار مرز جمهوری اسلامی آورده‌اند».

امام جمعه سپس اعلام کرد: «ما همه این تجاوزها را که از سوی دشمن بزرگ‌ما، آمریکای جنایتکار و شیطان بزرگ هدایت میشود سرکوب خواهیم کرد».

امام جمعه تهران، بعد از خوش آمد به علمای سنی بلوچستان، که در نماز جمعه شرکت کرده بودند، گفت:

«نشاء آن «دعاهای خانگی» محافل گوناگون انحصارگران امرالایسم آمریکاست، حاوی نکاتی بس جالب، از جمله درباره عمق مداخلات جنایتکارانه آمریکا و زودبندهای «کبوتر»های آمریکائی و «لیبرال»های ایرانی، است، که به برکت جنبش انقلابی توننده مردم ایران و آشتی‌ناپذیری رهبر انقلاب امام خمینی، عقیم مانده است».

مقاله سالیوان، به بسیاری از رویدادهای ماه‌های نخست «دولت موقت» نیز برتوی نو می‌افکند، ما در روزهای آینده به بررسی بیشتر اینگونه مسائل باز خواهیم گشت».

سالیوان می‌گوید: «پاسخی که من به مامور متخا به پیام برژینسکی دادم، قابل چاپ و یا یازکو کردن نیست».

نامه وزیر...

بقیه از صفحه ۱

ایران را سرکوب نماید و ایران را باز پس گیرد. گانگستر بین - المللی، در حالیکه حتی حاضر به پس دادن پولهای ایران که علناً زدییده، نیست، حتی حاضر به اظهار پشیمانی از جنایات و غارتگری‌های بی‌حد و حصری که در ایران طی بیش از یک ربع قرن مرتکب شده، نیست، در حالیکه علناً برای تهاجم و سرکوب انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نیروی نظامی تمرکز میدهد، توطئه کودتا با قصد کشتار جمعی میلیونها ایرانی برای تصرف مجدد قدرت حاکم در ایران می‌چیند، عراق یعنی؛ را به جان ایران می‌اندازد و تمام ضدانقلاب گریخته به خارج و تمام ضدانقلاب داخلی را علیه جمهوری اسلامی ایران مجبور می‌کند و به ارتکاب انواع جنایات و اجرای انواع توطئه‌ها و امیدار، در حالیکه حتی محاصره اقتصادی ایران را (بقدر امکان خود) با بی‌شرمی و دریدگی ادامه می‌دهد، و طرح «چپش مثبت - ۸۰» برای تهاجم نظامی به ایران در جیب دارد، نامه می‌نویسد و طی آن درخواست میکند که وزیران خارجه دو کشور بنشینند، دنیا یکدیگر کسار، کنند و «مشکلات بین دو کشور» را حل کنند».

براستی امپریالیسم آمریکا - این گانگستر بین‌المللی - به همان اندازه سائروس است که وقیح، و به همان اندازه وقیح است که غدار، و به همان اندازه غدار و جنایتکار است که چپاولگر. وزیر خارجه امریکادمی است که «دکروگانهای» امریکائی «رنج» برداند و از روی لطف «می‌پذیرد» که «دیرانها هم رنج بردانده

«ای برادران، ای خواهران قدر این وحدت را بدانید. بخدا این وحدت شما شمت محکمی است که بردهان یاوه‌گویی استعمار فروز می‌آید. بگذارم قتی‌های جیره‌خوار مصر و مراکش، شیطان‌های اطراف تخت فرعون هر چه می‌توانند به انقلاب ما و به سلیمان زمان ما بگویند. ما در میان خود بجدالله وحدت داریم».

امام جمعه تهران، در ادامه سخنان خود، به توطئه تعطیل مدارس در آغاز سال تحصیلی اشاره کرد و گفت:

«سعی می‌کنند مدارس را با عنوانهای مختلف تعطیل کنند، و ملت‌دور بر ابرچماق‌داران مفرض امام جمعه تهران سبب به ساله چماداران پرداخت و گفت:

«گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک و یا بزرگ راه می‌افتند، با عناوین مختلف به مراکز، و کتابفروشیهای حمله می‌کنند. بدانید که این کارخطا و خلاف است. آن کسانی که این کار را می‌کنند از دو حال بیرون نیست: یا مردمانی خیرخواه هستند و یا مردمانی مفرض. اگر مردمان مفرضی هستند، من از همین جا و بهمین وسیله به آنها هشدار می‌دهم که، بخدا قسم، اگر بس نکنند، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد. و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها می‌گویم: ای برادران خیرخواه که نمی‌دانید چه باید بکنید، این جمهوری اسلامی را مخدوش می‌کنند، امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم‌گیری داریم، قانون وقتوتنظر داریم، بگذارید مسئولان کارها را بکنند، کمیته‌ها، پاسداران، شهرپایان‌ها، آنها خودشان می‌دانند چکار باید انجام دهند. شما غیرمسئولانه حق ندارید وارد قضایا و مسائل بشوید و اینگونه حادثه‌هایی را بوجود بیاورید، که برای جمهوری اسلامی بسیار زشت و سنگین است».

«ای برادران، ای خواهران قدر این وحدت را بدانید. بخدا این وحدت شما شمت محکمی است که بردهان یاوه‌گویی استعمار فروز می‌آید. بگذارم قتی‌های جیره‌خوار مصر و مراکش، شیطان‌های اطراف تخت فرعون هر چه می‌توانند به انقلاب ما و به سلیمان زمان ما بگویند. ما در میان خود بجدالله وحدت داریم».

امام جمعه تهران، در ادامه سخنان خود، به توطئه تعطیل مدارس در آغاز سال تحصیلی اشاره کرد و گفت:

«سعی می‌کنند مدارس را با عنوانهای مختلف تعطیل کنند، و ملت‌دور بر ابرچماق‌داران مفرض امام جمعه تهران سبب به ساله چماداران پرداخت و گفت:

«گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک و یا بزرگ راه می‌افتند، با عناوین مختلف به مراکز، و کتابفروشیهای حمله می‌کنند. بدانید که این کارخطا و خلاف است. آن کسانی که این کار را می‌کنند از دو حال بیرون نیست: یا مردمانی خیرخواه هستند و یا مردمانی مفرض. اگر مردمان مفرضی هستند، من از همین جا و بهمین وسیله به آنها هشدار می‌دهم که، بخدا قسم، اگر بس نکنند، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد. و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها می‌گویم: ای برادران خیرخواه که نمی‌دانید چه باید بکنید، این جمهوری اسلامی را مخدوش می‌کنند، امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم‌گیری داریم، قانون وقتوتنظر داریم، بگذارید مسئولان کارها را بکنند، کمیته‌ها، پاسداران، شهرپایان‌ها، آنها خودشان می‌دانند چکار باید انجام دهند. شما غیرمسئولانه حق ندارید وارد قضایا و مسائل بشوید و اینگونه حادثه‌هایی را بوجود بیاورید، که برای جمهوری اسلامی بسیار زشت و سنگین است».

«سعی می‌کنند مدارس را با عنوانهای مختلف تعطیل کنند، و ملت‌دور بر ابرچماق‌داران مفرض امام جمعه تهران سبب به ساله چماداران پرداخت و گفت:

«گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک و یا بزرگ راه می‌افتند، با عناوین مختلف به مراکز، و کتابفروشیهای حمله می‌کنند. بدانید که این کارخطا و خلاف است. آن کسانی که این کار را می‌کنند از دو حال بیرون نیست: یا مردمانی خیرخواه هستند و یا مردمانی مفرض. اگر مردمان مفرضی هستند، من از همین جا و بهمین وسیله به آنها هشدار می‌دهم که، بخدا قسم، اگر بس نکنند، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد. و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها می‌گویم: ای برادران خیرخواه که نمی‌دانید چه باید بکنید، این جمهوری اسلامی را مخدوش می‌کنند، امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم‌گیری داریم، قانون وقتوتنظر داریم، بگذارید مسئولان کارها را بکنند، کمیته‌ها، پاسداران، شهرپایان‌ها، آنها خودشان می‌دانند چکار باید انجام دهند. شما غیرمسئولانه حق ندارید وارد قضایا و مسائل بشوید و اینگونه حادثه‌هایی را بوجود بیاورید، که برای جمهوری اسلامی بسیار زشت و سنگین است».

«سعی می‌کنند مدارس را با عنوانهای مختلف تعطیل کنند، و ملت‌دور بر ابرچماق‌داران مفرض امام جمعه تهران سبب به ساله چماداران پرداخت و گفت:

«گاهی ۱۰ نفر، ۱۵ نفر، در فلان خیابان، در فلان شهر، در فلان شهر کوچک و یا بزرگ راه می‌افتند، با عناوین مختلف به مراکز، و کتابفروشیهای حمله می‌کنند. بدانید که این کارخطا و خلاف است. آن کسانی که این کار را می‌کنند از دو حال بیرون نیست: یا مردمانی خیرخواه هستند و یا مردمانی مفرض. اگر مردمان مفرضی هستند، من از همین جا و بهمین وسیله به آنها هشدار می‌دهم که، بخدا قسم، اگر بس نکنند، ما ملت را در برابر شما قرار خواهیم داد. و اما اگر مردمان خیرخواهی هستند، من الان به آنها می‌گویم: ای برادران خیرخواه که نمی‌دانید چه باید بکنید، این جمهوری اسلامی را مخدوش می‌کنند، امروز ما دولت داریم، مراکز تصمیم‌گیری داریم، قانون وقتوتنظر داریم، بگذارید مسئولان کارها را بکنند، کمیته‌ها، پاسداران، شهرپایان‌ها، آنها خودشان می‌دانند چکار باید انجام دهند. شما غیرمسئولانه حق ندارید وارد قضایا و مسائل بشوید و اینگونه حادثه‌هایی را بوجود بیاورید، که برای جمهوری اسلامی بسیار زشت و سنگین است».

(رنجی شبیه و یا در حد رن «دکروگانها») سپس می‌نویسد که ادامه بن بست میتواند تلخی ورنه دوطرف را افزایش دهد، و آنگ تهدید می‌کند: «کاسه سبر تحمل رنج (آمریکا) پسرشد است... گانگستر بین‌المللی حتی به هنگامی که می‌خواهد سالوسانه خود را بی‌آزار معرفی کند نمی‌تواند سرشت تجاوزگر خود را بپوشاند. تقاضای مذاکره برای «حل مشکلات» می‌کند و درعین حال تهدید می‌کند که «کاسه سبر»ش پر شده و دیگر بیش از این تحمل نخواهد کرد. در نامه آقای وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا، جز مسئله «دکروگانها»، کلمه‌ای در باره محتوی «مشکلاتی» که در سناستات دو کشور وجود دارد، ذکر نشده، یا هیچ اشاره‌ای به مسائلی نظیر اموالی که شاه سابق و خاندانش بغارت برده، پولهای ایران که بلوکه شده، منابع هنگفتی که ایران بابت قراردادهای متعدد نظامی و غیره - نظامی طلب دارد، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و جنایات و غارتگری‌های بی‌حسابی که آمریکا در ایران از روز کودتا تا پیروزی انقلاب در ایران انجام داده، توطئه‌های متعدد و رنگارنگی که آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به قصد بازپس گرفتن ایران باجراه گذارده، تهاجم نظامی طیس، توطئه کودتای ۱۸ تیرماه، تاسیس رادیو بختیار و رادیو اویسی، سازماندهی ضدانقلاب در خارج و داخل ایران، و غیره و غیره، نشده است. نامه ادووند ماسکی کمترین ارزشی بعنوان پایه‌ای برای «رفع مشکلات»، موجود بین دو کشور ندارد. «مشکلات» موجود بین دو کشور ایران و آمریکا وقتی قابل رفع اند که آمریکا نه در حرف بلکه در عمل روابط خود را با ایران برپایه برابری کامل حقوق و احترام بی‌خنده به استقلال و حق حاکمیت ایران قرار دهد. نمی‌خواهد؟ سرشت ستمگر به او اجازه نمی‌دهد؟ نمی‌تواند؟ ماهیت غارتگرانه به او اجازه نمی‌دهد؟ آنگاه با دشمن - بقول امام خمینی - رابطه «ظالم با مظلوم را می‌خواهیم چکنیم».

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی

خیابان آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM

No. 331
13 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 S*